



به منظور رشد تجارت و اقتصاد هموطنان عزیز، عزیزی بانک افتخار دارد تا قروض متوسط خویش را با مبلغ 100000 - 500000 دالر امریکایی، پیشکش نماید. هموطنان عزیز میتوانند از مزایای قرضه مذکور با شرایط سهل مستفید شوند.



www.azizibank.af

1515



۱۲۲۷ ■ دوشنبه | ۲۷ جدی ۱۳۹۵ | سال ششم

1227 ■ MONDAY | 16 JANUARY 2017 | YEAR 06

یادداشت روز

چرا داعش به گونه‌ی کامل نابود نمی‌شود؟

منابع محلی در ولایت ننگرهار تایید کرده‌اند که افراد وابسته به داعش ۱۲ استاد و دو کارمند یک مدرسه‌ی دینی را از ولسوالی ده‌بالای این ولایت ربوده‌اند. به نقل از این منابع، این رویداد صبح دیروز اتفاق افتاده است. این در حالی است که اخیراً این گروه چندین خانه را نیز در ولسوالی کوت ولایت ننگرهار به آتش کشیده بود.

حضور داعش در ننگرهار از مدت‌ها قبل باعث ناآرامی‌های جدی در این ولایت گردیده بود. در واقع این ولایت خواستگاه داعش در افغانستان محسوب می‌شود و این گروه دست‌کم در برخی از ولسوالی‌های ننگرهار، هزارگانه‌ی خشونت‌هایی را انجام داده است. تحرکات اخیر این گروه پس از آن صورت می‌گیرد، که رئیس‌جمهور غنی چندین بار وعده‌ی نابودی کامل این گروه در ننگرهار را داده بود. آقای غنی تابستان سال جاری در سفری به ولایت ننگرهار به نیروهای امنیتی دستور داده بود که داعش را طی یک هفته نابود کنند. هرچند پس از این اظهارات برخی عملیات تصفیوی در ننگرهار به راه انداخته شد، اما هیچ‌گاه داعش به گونه‌ی کامل در این ولایت نابود نگردید و تحرکات اخیر این گروه نشان می‌دهند که آنان هنوز در ننگرهار حضور دارند و خود را بازسازی کرده‌اند.

نابودی کامل داعش در افغانستان تا هنوز یک امر محتمل به نظر می‌رسد. این گروه هنوز پایه‌های محکمی برای خود ایجاد نکرده است. داعش نه به لحاظ ساختارها و تجهیزات نظامی آن‌قدر قدرتمند است و نه هم پایه‌های مردمی مناسبی دارد. از این رو، مقابله و برخورد جدی...

ادامه در صفحه ۲



مجاهد بر کنار شد

دموکراسی قومی، جنبش‌های اجتماعی و جامعه‌ی چندقومی

در آمد

با وجود آن‌که قانون اساسی و سایر قوانین نافذی کشور خطوط اساسی سامان‌بخشی به امورات دولت و جامعه را مبتنی بر معیارهای دموکراتیک و ملی تعریف و تعیین کرده است، اما روند عملی‌سازی در افغانستان...

صفحه ۴

وضعیت مبارزه با فساد در افغانستان چگونه است؟

ارزیابی پیشرفت‌ها و عقب‌گردها در اصلاح فرایند تدارکات در افغانستان

صفحه ۳

تماس‌های بین‌المللی با نازلترین نرخ



افغانی فی دقیقه به

3.75

13 کشور جهان



برای اشتراک: #888*5*1 را دایل نمایید.

فیس روزانه: 1 افغانی
مدت اعتبار: 1 روز

برای لغو اشتراک: #888*5*2 را دایل نمایید.



AFGHAN WIRELESS

ارتباط دهنده افغانستان
Connecting Afghanistan



www.afghan-wireless.com



ارتباط دهنده افغانستان
Connecting Afghanistan

ادامه یادداشت روز

... با آن می‌تواند به‌زودی منجر به نابودی کامل این گروه گردد.
عدم توفیق در این زمینه به‌دلیل آن است که دولت استراتژی مناسبی برای سرکوب کامل این گروه ندارد. مواجهه‌ی دولت با این گروه تاکنون گذرا و موقتی بوده است. نیروهای امنیتی در جنگ با جنگجویان داعش عمدتاً متمرکز بر بیرون کردن آنان از مناطق مشخص بوده‌اند. این استراتژی هیچ‌گاه منجر به نابودی کامل این گروه نخواهد شد. زیرا، با هر بار حمله‌ی نیروهای امنیتی به مراکز تجمع جنگجویان داعش، آنان از مراکز خود متواری شده و در کوه‌ها، مناطق مسکونی و حتا آن‌سوی مرزها، متواری می‌شوند. پس از پایان عملیات این جنگجویان دوباره خود را بازسازی می‌کنند و در مناطق مشخصی تجمع کرده و دست به ایجاد ساختار، اداره و تاسیسات می‌زنند. در طول دست‌کم دو سال گذشته بارها این اتفاق افتاده است و برای همین عملیات نیروهای امنیتی در ننگرهار و حتا مناطق دیگر افغانستان با دست‌آورد کامل به همراه نیست و پس از پایان عملیات‌ها، دوباره جنگجویان با همدیگر یکجا شده و خشونت تازه‌یی را خلق می‌کنند.

دولت و نیروهای امنیتی باید این روش را در مواجهه با دشمنان کنار بگذارد. برای دستیابی به هدف مطلوب، ابتدا باید نابودی کامل داعش به‌منابه‌ی یک استراتژی جنگی روی دست گرفته شود و سپس عملیات‌های نظامی به‌گونه‌یی طراحی شود که اجازه‌ی فرار به جنگجویان داعش را ندهد. عملیات‌های نظامی باید باید از چند سو انجام شود و پیش از آن، تمامی راه‌های مرتبط با آن مسدود گردند تا امکان فرار جنگجویان مخالف وجود نداشته باشد.

بدون شک، اگر نابودی کامل داعش به‌منابه‌ی یک هدف بلندمدت روی دست گرفته نشود، این گروه آرام‌آرام خود را توسعه خواهد داد و در نهایت به یک تهدید جدی در این کشور مبدل خواهد شد. تجربه‌های گذشته باید در این زمینه راهگشا باشد و دولت باید متوجه رشد آرام این گروه در افغانستان باشد. در صورتی‌که داعش بتواند فعالیت‌های نظامی خود را هرچند محدود، تا چند سال دیگر ادامه دهد، آن‌گاه زمینه برای فعالیت آنان مساعد خواهد شد. تداوم فعالیت‌های آن می‌تواند هم پشتوانه‌های مردمی را برای آنان فراهم کند و هم در نتیجه‌ی آن این گروه به تجهیزات و تاسیسات بیشتر دسترسی پیدا خواهد کرد. بدیهی است که در این‌صورت، نابودی کامل آن هزینه‌های بیشتری لازم خواهد داشت.

۱۵ تن به‌شمول فرماندهان مهم طالبان و کارمندان سازمان استخبارات پاکستان در هلمند کشته شدند

اطلاعات روز: دفتر رسانه‌های والی هلمند اعلام کرده است که در یک حمله‌ی هوایی نیروهای خارجی در ولسوالی موسی‌قلعه‌ی این ولایت ۱۵ طالب به‌شمول شماری از فرماندهان مهم و بزرگان این گروه و دو کارمند سازمان استخبارات پاکستان کشته شده‌اند.
دفتر رسانه‌های والی با نشر خبرنامه‌یی گفته است که این حمله‌ی هوایی بعد از ظهر شنبه در بازار ولسوالی موسی‌قلعه و بر یک نشست مهم طالبان انجام شد.
در خبرنامه آمده که در میان کشته‌شده‌ها، ملا ظاهر مسئول مالی طالبان در هلمند، حاجی ناصر مسئول جلب‌وجذب، حاجی خادم مسئول قطعه‌ی نظامی، حاجی روحانی ولسوالی نام‌نهاد ولسوالی نهرسراج، ملا صادق آغا مسئول نظامی طالبان برای ولایت قندهار، حاجی خالد معاون والی نام‌نهاد طالبان برای ولایت ارزگان شامل‌اند.
خبرنامه همچنان افزوده که در این حمله‌ی هوایی نیروهای خارجی، ۱۵ تن دیگر زخمی شده‌اند که در میان آنان دو کارمند سازمان استخبارات پاکستان نیز دیده شده‌است.
براساس این خبرنامه، در این حمله هشت عراده موتر نوع مختلف طالبان، سه عراده تانک هاموی، یک موتر رنجر، ۱۸ میل سلاح پیکا، چهار راکت‌انداز، سه میل هاوان، چهار میل SPG۹، ۲۵ میل کلاشینکوف از بین برده شده است.
نیروهای بین‌المللی مستقر در افغانستان و مأموریت حمایت قاطع تاکنون در مورد این حمله چیزی نگفته‌اند.
طالبان نیز تاکنون در مورد این رویداد چیزی نگفته است.

مجاهدبر کنار شد

اطلاعات روز: عبدالحکیم مجاهد عضو ارشد شورای عالی صلح پس از اظهارات غیرمسئولانه‌اش مبنی بر استفاده از تعبیر «فرشگان صلح» برای طالبان، توسط مقامات حکومت وحدت ملی از وظیفه‌اش برکنار شد.

منابعی از ریاست اجراییه برکناری آقای مجاهد را تأیید می‌کنند. مجیب‌الرحمن الرحیمی، سخن‌گوی ریاست اجراییه گفته است که آقای مجاهد بر اساس فیصله‌ی رهبران حکومت وحدت ملی دیگر نمی‌تواند به وظیفه‌اش در شورای عالی صلح ادامه دهد.
عبدالحکیم مجاهد در زمان طالبان نماینده‌ی فوق‌العاده‌ی امارت اسلامی در سازمان ملل بود و اکنون مشاور شورای عالی صلح است. آقای مجاهد روز پنج‌شنبه، ۲۳ جدی در یک کنفرانس خبری در انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان از طالبان و کارنامه‌های این گروه به نیکویی یاد کرد و این گروه را «فرشتگان صلح» خواند.
آقای مجاهد گفته بود: «طالبان یک طبقه‌ی مقدس است. آن‌ها یکبار در برابر روس جهاد را به کامیابی رساندند و بار دیگر به هرج‌ومرج مجاهدین پایان دادند و امنیت را به‌وجود آوردند.» مشاور شورای صلح در این نشست افزود: «طالبان تا زمانی‌که به کابل رسیدند، به قول استاد ربانی فرشته‌های صلح بودند و این‌که بعد از آن چه کردند که نجیب اعدام شد و دولت یک‌جانبه‌ی خود را اعلام کردند، بحث جداگانه است.»
حکیم مجاهد همچنان در صحبت‌هایش داکتر نجیب‌الله، رئیس‌جمهور سابق را «خاین» خواند.

و قیام احمدشاه مسعود علیه دولت داوودخان در سال ۱۳۵۴ در پنجشیر را «بغاوت» توصیف کرد. این اظهارات آقای مجاهد واکنش‌های فراوانی در شبکه‌های اجتماعی و از سوی شماری از سیاسیون به‌دنبال داشت. نخست عظامحمد نور، سرپرست ولایت بلخ در اعلامیه‌یی گفت که «نخست با دشمن‌مان در درون نظام محاسبه کنیم.» آقای نور از حکومت خواهان بازداشت مجاهد و به محاکمه کشاندن او شد.

روز شنبه ارگ ریاست‌جمهوری به این اظهارات مجاهد واکنش نشان داده و در اعلامیه‌یی گفت که به هیچ فردی اجازه نمی‌دهد که با استفاده از آزادی بیان قاتلان هم‌وطنان ما را فرشتگان صلح خطاب کند.

در بیانیه‌ی ارگ آمده که «دولت جمهوری اسلامی افغانستان ضمن احترام و داشتن تعهد قوی به اصل آزادی بیان، به هیچ فرد اجازه نمی‌دهد که با استفاده از آزادی بیان، قاتلان هم‌وطنان، به‌خصوص زنان و کودکان و هم‌چنان ویران‌گران اماکن مقدس و عام‌المنفعه و در مجموع کشور را فرشتگان صلح خطاب کند.»

ارگ گفت که دولت با دقت و جدیت تمام این موضوع را بررسی می‌کند و در چوکات قانون علیه آن اقدام خواهد کرد که این اقدام به‌زودی و به‌موقع با مردم شریف افغانستان شریک می‌گردد.

با این‌حال، در حالی‌که ریاست اجراییه از برکناری آقای مجاهد خیر داده، اما ارگ ریاست‌جمهوری تاکنون در این مورد چیزی نگفته است.

کمک ۳۰ میلیون دالری بانک توسعه‌ی آسیایی برای مراقبت از جاده‌های افغانستان

از ساختن آن‌ها است. او افزود، در این راستا، آن‌ها موفق شدند کمک ۳۰ میلیون دالری بانک توسعه‌ی آسیایی را به‌دست آورند.
پیشتر مقام‌ها در وزارت فواید عامه گفته بودند که ۴۰ درصد از جاده‌هایی که دولت در سال‌های اخیر ساخته، در حال خراب شدن است.

وزیر فواید عامه در مورد بودجه‌ی حفظ و مراقبت از جاده‌ها گفت که هر ساله بودجه‌ی کمی از وزارت مالیه برای مراقبت از جاده‌ها به وزارت فواید عامه اختصاص داده می‌شد که برای اقدام عملی و اساسی در حفظ جاده‌ها کافی نبود. آقای بلیغ گفت که از این مقدار کمک بانک توسعه‌ی آسیایی نخست در بازسازی ۵۰ کیلومتر جاده‌ی کابل – جلال‌آباد و بعد بازسازی شاهراه کابل – قندهار کار گرفته خواهد شد.
دلایل اصلی خرابی جاده‌های کشور انفجار ماین‌های کنارجاده‌یی مخالفان مسلح و حرکت موترها با بار غیرمجاز خوانده شده‌است.

شماری از سناتوران خواستار لغو شورای عالی صلح شدند

است و او و امثال او باید بازداشت شوند و مورد پیگرد قانونی قرار گیرند.
گللالی احمدی، عضو دیگر سنا گفت: «این اجیران و نوکران فروخته‌شده‌ی افغانستان که در نهادهای حکومتی، امنیتی در شورای عالی صلح، همچون عبدالحکیم مجاهد، حضور دارند، پاکسازی شوند تا مردم افغانستان نفس تازه‌یی بکشند.»
گل‌احمد عظیمی گفت: «تدابیر باید گرفته شود. ما هم‌رای کشورهای جهان و امریکا توافق‌نامه‌ی امنیتی داریم و با ناتو همکاری داریم و جای هراس افگنان هم معلوم است.»
عبدالطیلف نهضت‌یار گفت: «هر طرف که بخواهیم برویم، چه دکاندار باشد، چه مزدورکار و غریب‌کار، هرکس نگران استند که وضع کشور چگونه خواهد شد و حکومت کدام راه را خواهد گزید.»

در حملات انتحاری و انفجاری روز سه‌شنبه هفته‌ی گذشته در ولایت‌های کابل، قندهار و هلمند دست‌کم شصت نفر کشته‌شدند. هم‌زمان با این حملات خونبار که مسئولیت حمله‌ی کابل را طالبان به‌عهده گرفت، عبدالحکیم مجاهد، مشاور ارشد شواری عالی صلح طالبان را «فرشتگان صلح» خواند که واکنش‌های تند مردم، حکومت و شماری از سیاسیون را به‌دنبال داشت. پس از این اظهارات آقای مجاهد از مشاوریت در شورای عالی صلح برکنار شد.

دوروز عزای ملی برای غم‌شریکی با قربانیان حوادث تروریستی اخیر در کابل، قندهار و هلمند

اطلاعات روز: رئیس‌جمهور غنی با صدور حکمی به‌منظور هم‌دردی و غم‌شریکی با قربانیان حوادث تروریستی اخیر در ولایت‌های کابل، قندهار و هلمند روزهای یک‌شنبه و دوشنبه را عزای ملی اعلام کرد.
در حملات تروریستی روز سه‌شنبه هفته‌ی گذشته در ولایت‌های کابل، قندهار و هلمند نزدیک به ۶۰ تن کشته شدند. دو حمله‌ی انتحاری در نزدیکی پارلمان در ساحه‌ی دارالامان ۳۸ کشته برجا گذاشت.
در انفجاری در دفتر والی قندهار، ۱۲ تن به‌شمول معاون والی قندهار، پنج دیپلمات امارت متحده‌ی عربی، دو نماینده‌ی مجلس سنا کشته شدند، سفیر امارات در کابل و والی قندهار در این حادثه زخمی شدند. صبح روز سه‌شنبه در انفجاری در شهر لشکرگاه دست‌کم هشت نفر کشته شدند.

در حکم رئیس‌جمهور آمده: «به‌منظور هم‌دردی و غم‌شریکی با شهدای حوادث تروریستی اخیر در ولایات کابل، قندهار و هلمند و به‌خاطر اعزاز و اکرام دیپلمات‌های شهید دولت دوست و برادر امارات متحده‌ی عربی، ارج‌گذاری به مناسبات دوستانه و مستحکم میان دو دولت و ملت» هیأتی بلندپایه به ریاست صلاح‌الدین ربانی، وزیر امور خارجه توظیف شده تا در مراسم تعزیت دیپلمات‌های کشته شده در امارات اشتراک کند.

در حکم آمده که روزهای یک‌شنبه (دیروز) و دوشنبه، ۲۶ و ۲۷ جدی ۱۳۹۵ □ – ش به‌حیث روزهای عزای ملی اعلام شده، بیرق افغانستان در سراسر کشور و نمایندگی‌های سیاسی آن در سراسر جهان به حالت نیمه‌افراشته درآورده شود.»
در حکم آمده که «به پاس احترام به‌خاطره‌ی دیپلماتان شهید کشور دوست و برادر امارات متحده‌ی عربی، منار یاد بود شهداء در شهر قندهار اعمار و لوح یادبود از آنان در مقر وزارت امور خارجه‌ی کشور نصب گردد.»

همچنان براساس این حکم، مراسم خاص اتحاف دعا برای یک روز در مسجد ارگ ریاست‌جمهوری و مساجد سراسر کشور و نمایندگی‌های سیاسی افغانستان در سراسر جهان برگزار می‌شود.

مسئولیت حملات انتحاری کابل را گروه طالبان به‌عهده گرفته اما مسئولیت حمله‌ی قندهار را به‌شمول گروه طالبان هیچ گروهی به‌عهده نگرفت. این دو حمله خصوصاً انفجار در دفتر والی قندهار پرسش‌هایی را مطرح کرده که چرا از انجام حملات جلوگیری نشده و چگونه تروریستان موفق به انجام حمله در دفتر والی و زمانی که والی با سفیر و دیپلمات‌های امارات متحده‌ی عربی نشست داشت، صورت گرفته است.

داعش ۱۲ استاد یک مدرسه را ربود

اطلاعات روز: مقام‌های محلی ولایت ننگرهار تأیید کرده‌اند که افراد گروه داعش ۱۲ استاد یک مدرسه‌ی دینی در ولسوالی هسکه‌مینه‌ی این ولایت را ربوده‌اند.

دفتر رسانه‌های والی ننگرهار با نشر خبرنامه‌یی گفته است که این رویداد حوالی ساعت ۹:۳۰ صبح روز یک‌شنبه، ۲۶ جدی، در روستای «شپول» رخ داده و استادان زمانی که مصروف اخذ امتحان از دانش‌آموزان بودند از سوی افراد داعش ربوده شدند.

سازولی، ولسوال هسکه‌مینه با تأیید این خبر گفته است با این‌که نیروهای امنیتی زود متوجه ربودن این استادان شدند، اما با تلاش‌های زیاد موفق نشدند جلو نیروهای داعش را بگیرند. به گفته‌ی او، تاکنون انگیزه‌ی این رویداد معلوم نیست.
گلاب منگل، والی ننگرهار اطمینان داده است که مسئولان تلاش‌های همه‌جانبه برای رهایی این استادان از چنگ داعش را شروع کرده‌اند.
اما ریاست معارف ولایت ننگرهار در خبرنامه‌یی ربوده شدن ۱۲ استاد و دو کارمند این مدرسه‌ی دینی را تأیید کرده‌است.

فعالیت‌های هراس‌افگنانه‌ی گروه داعش در روزهای اخیر در شماری از ولسوالی‌های ننگرهار دوباره آغاز شده است. روز جمعه این گروه در ولسوالی کوت نزدیک به ۷۰ منزل مسکونی را آتش زدند.

انفجار ماین کنار جاده‌یی در پچیراگام هشت کشته برجا گذاشت

از سوی هم روز یک‌شنبه در یک انفجار ماین کنارجاده‌یی در ولسوالی پچیراگام این ولایت هشت غیرنظامی کشته شدند.

وزارت داخله در خبرنامه‌یی گفته است که حوالی صبح روز یک‌شنبه، یک موتر نوع دادسن غیرنظامیان در روستای «برغولی» ولسوالی پچیراگام با یک ماین کنارجاده‌یی در از سوی تروریستان جاسازی شده بود، برخورد کرد که در نتیجه‌ی این رویداد، هفت غیرنظامی کشته و یک غیرنظامی دیگر زخمی شدند.

خبرنگار ناراضه

یک پنجه رقص قطغن قرضدار شدم

تروریستان کوردل سه‌شنبه هفته‌ی گذشته، در سه ولایت افغانستان دست به اقدام‌های تروریستی زدند که منجر به کشته و زخمی شدن بیش از صد هم‌وطن عزیز ما شد. حکومت در همان ساعات اولیه این اقدامات تروریستی را به‌شدت محکوم کرد. بعدش دید که تنها محکوم کردن کفایت نمی‌کند و سطح خواسته‌های مردم اندکی بلندتر از سقف نگوهرش حکومت قرار دارد، با خود فیصله کرد که نه، این بار باید واکنش بیشتر نشان دهیم. این شد که دو روز هفته‌ی جدید (دیروز و امروز) را عزای ملی اعلام کرد.

طبق معمول، تعدادی از کارشناسان داخلی که از لحاظ کیفی‌شناسی (کیفیت کارشناسی) به خودکشی بیگانه‌پرور قریب‌اند، مدعی‌اند که این عزای ملی نه به‌خاطر قربانیان داخلی، بلکه به‌خاطر غم‌شیرینی با دیپلمات‌های امارات متحده‌ی عربی است. اما سخن این کارشناسان اهمیتی ندارد. بناً ما ملت شایسته‌ی غم‌شیرینی، مراتب تشکرات خویش از حکومت را کمی شدیدتر از قبل می‌کنیم. تششششششششششش!

حالا که حکومت حاضر شده پا را از «تقیب با شدیدترین الفاظ» فراتر بگذارد، ما بیشتر امیدوار شده‌ایم. به این معنا که آهسته‌آهسته بخیر، روزی هم فرا خواهد رسید که ما به جای دو روز عزای ملی، دو روز جشن ملی داشته باشیم و در آن دو روز، به جای ترس از انتحار دوباره، انفجار دیگر، کشت‌وخون تازه، هم‌وطنان زخمی، به خوشی و سرور فکر کنیم و بیا گد شویم به میدان!

شما می‌گویید من چرت‌وپرت می‌گویم؟! حق دارید. برای خودم هم داشتن دو روز جشن ملی، چیزی بیشتر از چرت‌وپرت نیست. اما چه کار کنم، این سر من سرکش است و تنها به عزای ملی و عزای فردی و خانوادگی اکتفا نمی‌کند. بیشتر می‌خواهد. می‌دانم روزی مرا گرفتار مصیبت خواهد کرد.

در همین راستا با چند نفر گفت‌وگو کردم. ذیلاً:

من: تسلیت باشد برادر! حالا که دو روز عزای ملی داریم، به نظرت چهوقت باشد که دو روز جشن ملی هم داشته باشیم؟

فرهاد مخلص: تسلیت چه او دیوانه؟ عزای ملی از کجا شد؟ جشن ملی دیگه چه‌رقم جشن است؟ نی که میگی کل مملکت زن و مرد ده میدان برآیم و رقص کنیم، چطو؟

من: تسلیت به‌خاطر هم‌وطنانی که هفته‌ی گذشته کشته و زخمی شدند. عزای ملی را هم حکومت اعلام کرده. جشن ملی هم همین که همه‌ی ملت خوشحال باشند.

فرهاد مخلص: هاهاهاهاها. خو خیی ازی خاطر. مه خو همیالی هم خوشحالم. ده بلایم که دیگه مردم خوشحال استن یا نی. به مه چه؟ مه خو نکشتم. من، با هم‌وطن دیگر: ببخشید اگر اجازه است با شما در مورد انتحاری هفته‌ی گذشته و عزای ملی این هفته صحبت کنم...

او: برو بیادر که کله مه خراباس. خوده سر مه دانشمند دانشمند نکو! یک رقم بزنم که تا ۹۹ انتحاری دیگه د هوش نیایی.

من: با عبدالباسط بی‌قرار عضو کمیته‌ی صحبت‌های اختصاصی در مورد صلح: حتماً خبر دارید که حکومت عزای ملی اعلام کرده. نظرت راجع به جشن ملی چیست؟ یعنی به نظرت ممکن است حکومت یک‌دفعه تصمیم بگیرد که طالبان را هر طور شده نابود کند و طالبان را نابود کند و بقیه‌ی مردم نابودی طالبان را جشن بگیرند؟

عبدالباسط: جوان استی، دلم به حالت می‌سوزه. برو خدا تو را شفا بدهد. اللهم اشفع کل مریض!

با یک نفر دیگر:

من: ببخشی برادر، من مریض شده‌ام. دلم هوای جشن ملی کرده، به کدام شفاخانه بروم که جور شوم؟

آن برادر: هی وطندار! چنین شفاخانه‌ی اصلاً وجود ندارد. تو هم مریض نیستی. برو خدا را شکر کن که دلت هنوز زنده است و هوای جشن می‌کند. اگر به چنین روزی رسیدی، جای من هم یک پنجه قطغن برقص.

منی‌دانم چه شد که به او قول دادم یک پنجه قطغن به جایش برقصم. قرضدار شدم.

وضعیت مبارزه با فساد در افغانستان چگونه است؟

ارزیابی پیشرفت‌ها و عقب‌گردها در اصلاح فرایند تدارکات در افغانستان

دپلمات/مرتضی نوری ■ ترجمه: حمید مهدوی



از قضا، کمیسیون تدارکات ملی در عمل ریسک/خطر جدیدی فساد ایجاد کرده است. داوطلبان هرگز نمی‌دانند پروژه‌ی آن‌ها در کجای روند تصویب است؛ بنابراین، برخی از شبکه‌های پنهان در داخل نهادهای حکومتی می‌توانند از فروش وعده‌های دروغین برای تصویب یک قرارداد نفع ببرند - در حالی که قرارداد پروژه قبلاً توسط کمیسیون تدارکات ملی تصویب شده است. اداره‌ی تدارکات ملی تاکنون نمی‌تواند فهرست قراردادهای تصویب‌شده را در عین روز در وبسایت‌اش نشر کند تا از چنین فسادهایی جلوگیری شود.

اصلاحات راهبردی، اولویت‌های مهم تراند. بخش قابل توجهی از انرژی و منابع اداره‌ی تدارکات ملی صرف تنظیم و ادامه‌ی جلسات هفته‌وار کمیسیون تدارکات ملی می‌شود.

همان‌طور که قبلاً ذکر شد، کمیسیون تدارکات ملی بالاترین کمیسیون بررسی قراردادهای است. این کمیسیون به‌طور گسترده توسط غنی برای برنامه‌ریزی مفصل عملکرد طرف قراردادکننده، ارزیابی بودجه و پیشرفت تخنیکی آن‌ها یا حتی برکناری و ترفیع کارمندان دولتی استفاده می‌شود. غنی علاقه ویژه‌ی به یک روند شفاف اعطای قرارداد نشان داده است، اما به‌سختی به بحث‌های فنی در مورد قراردادهای در جریان جلسات کمیسیون تدارکات ملی زمان می‌دهد.

از قضا، کمیسیون تدارکات ملی در عمل ریسک/خطر جدیدی فساد ایجاد کرده است. داوطلبان هرگز نمی‌دانند پروژه‌ی آن‌ها در کجای روند تصویب است؛ بنابراین، برخی از شبکه‌های پنهان در داخل نهادهای حکومتی می‌توانند از فروش وعده‌های دروغین برای تصویب یک قرارداد نفع ببرند - در حالی که قرارداد پروژه قبلاً توسط کمیسیون تدارکات ملی تصویب شده است. اداره‌ی تدارکات ملی تاکنون نمی‌تواند فهرست قراردادهای تصویب‌شده را در عین روز در وبسایت‌اش نشر کند تا از چنین فسادهایی جلوگیری شود.

در همین حال، دو سال بعد، طرز‌العمل نظارت از قراردادهای، طرز‌العمل حل‌وفصل منازعات و راهبرد تدارکات الکترونیکی هنوز تکمیل نشده‌اند و ریاست اداره‌ی تدارکات ملی توانایی پیشرفت قابل توجهی را ندارد. با این حال، به‌دلیل سیاسی، نهادهای نظارتی و ارزیابی‌کننده به سختی جرات می‌کنند عملکرد اداره‌ی تدارکات ملی را ارزیابی کنند. با توجه به روابط نزدیک این اداره با غنی، تحسین از ادراهی تدارکات ملی برای جلب حمایت غنی به امر معمولی تبدیل شده است. این، یک حس کاذب اعتماد به اداره‌ی تدارکات ملی ایجاد کرده است. در نتیجه، هیچ سیستمی وجود ندارد تا ظرفیت کارمندان تدارکات را بالا ببرد.

حکومت افغانستان هنوز هیچ راهبرد واضح خروج یا برنامه‌ی پایداری برای اداره‌ی تدارکات ملی ندارد. این اداره، عمدتاً به‌دلیل حمایت سیاسی شخص رییس‌جمهور، در مدت کوتاهی تاسیس شد و به پیشرفت قابل ملاحظه‌ی دست یافت. وقتی غنی ادارات را ترک می‌کند، شبکه‌های حمایتی جنایتکار می‌توانند به سیستم فعلی قدرت متمرکز و کنترل بر قراردادهای انبوه دستبرد زده و بر آن اعمال نفوذ کنند. بدون حمایت غنی، اداره‌ی تدارکات ملی توان مقاومت در برابر فشار و مداخله از سوی نیروهای فاسد را نخواهد داشت.

کمک‌کنندگان نگران‌اند که با سناریوی ناخوشایند مشاجره‌نه‌تنها با یک مقام حکومتی بلندپایه، بلکه با کاخ ریاست‌جمهوری نیز مواجه خواهند شد. با این حال، پس از پیشرفت سریع و دستاوردهای محدود، تمام طرف‌ها تصمیم گرفتند سیاست‌های‌شان را با جهت مورد نظر غنی هم‌جهت سازند. پس از تلاش‌های فشرده، قانون جدید تدارکات در اواسط سال ۲۰۱۶ توسط پارلمان تصویب شد. متأسفانه هیچ تحقیق نظام‌مند یا ارزیابی مستقلانه‌ی صورت نگرفته است تا دستاوردها و موفقیت اصلاحات را در عمل مطالعه کند. به‌دلیل فقدان ظرفیت در حکومت و سکتور خصوصی، پیچیدگی بروکراسی بین وزارتخانه‌ها و فساد همراه سیستم تدارکاتی و پرداخت ناکارآمد، حکومت هرگز نتوانسته است بیش از ۶۰ درصد بودجه‌ی ملی سالانه را مصرف کند. در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶، افغانستان صرف ۵۴ درصد بودجه‌ی انکشافی‌اش را مصرف کرد، نرخ پایینی که نشان می‌دهد اصلاحات به هدف افزایش مصرف بودجه نخواهد رسید.

بودجه‌ی ملی سالانه، به لطف مداخلات سیاسی، غیرواقعی‌بینانه است. به‌طور مثال، بخش‌هایی از بودجه‌ی سالانه اغلب به پروژه‌های انکشافی بزرگ اختصاص می‌یابد، هرچند [این پروژه‌ها] به یک یا دو سال دیگر زمان نیاز دارند تا از لحاظ تخنیکی برای روند تدارکات آماده شوند. به‌عبارت دیگر، بودجه به پروژه‌هایی اختصاص می‌یابد که در واقع در آن سال مالی هیچ شانس اجراشدن ندارند. این اتفاق به دلایلی می‌افتد که اداره‌ی تدارکات ملی در اجرای یک سیستم برنامه‌ریزی یکپارچه که قبل از تصویب بودجه در بودجه‌ی ملی آماده بودن اسناد یک پروژه برای روند تدارکات را بررسی کند، ناکام مانده است. مسأله‌ی دیگر این است که رهبری اداره‌ی تدارکات ملی و افسران اجرایی تدارکات به‌صورت عموماً پس‌زمینه‌ی پالیسی دارند تا این که در رشته‌های عملی پس‌زمینه داشته باشند؛ آن‌ها تجربه‌ی اندکی در روند تدارکات دارند. بنابراین، آن‌ها در فهمیدن چالش‌های تدارکاتی‌یی که نهادهای در عمل با آن‌ها مواجه می‌شوند، مشکل دارند. در جریان مدت‌زمان [کار] من در اداره‌ی تدارکات ملی، شکایت‌های زیادی از بخش زیرساخت‌ها شنیدم که ماه‌ها زمان می‌برد تا قراردادهای یا حتی تمدید یا تغییر قراردادهای کوچک در اداره‌ی تدارکات ملی یا کمیسیون تدارکات ملی تصویب شود.

بسیاری از رهبران اداره‌ی تدارکات ملی در مبارزات انتخاباتی دخیل بودند و از کسی که سرانجام رییس‌جمهور شد، حمایت می‌کردند. بنابراین، برای این اداره هدایات و نگرانی‌های غنی در مقایسه با مقتضیات عملی یا حتی دستیابی به اهداف

در میان وعده‌ها و اهداف مبارزات انتخاباتی خود، رییس‌جمهور اشرف غنی مبارزه با فساد را با محوریت اصلاح سیستم تدارکات عمومی پیش‌بینی کرد. تلاش‌ها با تاسیس یک ریاست تدارکات مرکزی تحت نام دفتر اداری رییس‌جمهور (AOP) آغاز شد؛ این نهاد که بعداً به اداره‌ی تدارکات ملی (NPA) مسمما شد، قطعات از قبل موجود رتوند تدارکات را مدغم ساخت. سه نهاد اصلی یا منحل شدند یا با اداره‌ی تدارکات ملی ادغام یافتند: واحد پالیسی تدارکات وزارت مالیه (PPU)، اداره‌ی خدمات بازسازی و انکشافی افغانستان (ARDS) وزارت اقتصاد و اداره‌ی مدیریت قراردادهای وزارت مالیه.

در قدم بعدی، کمیسیون تدارکات ملی (NPC) مجدداً تاسیس شد تا تمام قراردادهای بالارزش بلند را برای تمامی نهادهای تدارکاتی ۶۴ گانه‌ی کشور بررسی و تصویب کند. رییس کمیسیون تدارکات ملی آقای غنی است و عبدالله عبدالله، رییس اجرائیه و هم‌چنین وزیران مالیه، اقتصاد و عدلیه را نیز به‌عنوان اعضا شامل است. ارائه‌ی خدمات دبیرخانه‌ی به کمیسیون تدارکات ملی یکی از مسئولیت‌های کلان اداره‌ی تدارکات ملی است.

اداره‌ی تدارکات ملی، پس از یک ارزیابی جامع و همه‌جانبه‌ی مدل‌ها و سیستم‌های تدارکاتی ملی و بین‌المللی، تاسیس شد. بر اساس یک مقاله‌ی مفهوم، اداره‌ی تدارکات ملی رسماً از طریق فرامین تقنینی رییس‌جمهور تشکیل شد. طبق این مقاله‌ی مفهوم، به اداره‌ی تدارکات ملی مسئولیت یک سلسله وظایف داده شد؛ از جمله تقویت پالیسی تدارکات و طرز‌العمل‌های نظارتی، مبارزه با فساد، ایجاد یک طرز‌العمل برنامه‌ریزی ملی یکپارچه، ایجاد طرز‌العمل‌ها برای نظارت از قراردادهای حل منازعات و نظارت بر ایجاد یک سیستم تدارکاتی الکترونیکی برای بهبود شفافیت، پاسخگویی و موثریت در هزینه‌های عمومی.

روند اصلاحات، از همان آغاز، با اعتراض‌ها از سوی مقام‌های حکومتی و اعضای پارلمان مواجه شد. شبکه‌های حمایتی جنایتکار به خود حکومت توسعه یافتند و تلاش می‌کردند تا به اصلاحات در تدارکات دست درازی کرده و آن را تخریب کنند. با توجه به آن، جامعه‌ی جهانی، به‌شمول سازمان‌های کمک‌کننده‌ی بزرگ مانند بانک جهانی، مطمئن نبودند که آیا رییس‌جمهور در درازمدت موفق خواهد شد یا خیر. علاوه بر آن، اجرای پروژه‌ها در یک کشور پس از جنگ مانند افغانستان اغلب با مشکلات و درگیری‌های جزئی میان سازمان‌های کمک‌رسان و نهاد حکومتی ناظر بر پروژه‌ها که معمولاً رییس آن یک وزیر است، همراه می‌باشد. با سیستم تدارکاتی جدید، سازمان‌های بین‌المللی و

دموکراسی قومی، جنبش‌های اجتماعی و جامعه‌ی چندقومی

■ جمعه پر خاش احمدی و مهدی بهار ■ قسمت اول

نابود شوند. در حالی که طالبان به‌منابۀ یک گروه قومی=ایدیولوژیکی جامعه‌ی افغانستان و به‌ویژه در جامعه‌ی پشتون واقعیت مستقر و تحکیم‌یافته بود و هست. آن‌ها با قبایل مختلف در جامعه‌ی پشتون در آمیخته و از ریشه‌های عمیق قبایلی برخوردار اند. نادیده‌انگاری آن‌ها اشتباهی بود که بعدها غیرقابل جبران شد.

از این منظر این امکان هرگز مردود نیست که قبایل و طوایف و گروه‌های درون‌قومی در صورت نارضایتی عمیق از موازنه‌ی قدرت در سطوح ملی، قومی و محلی از طریق پیوستن به گروه‌های قومی=ایدیولوژیکی مانند طالبان و داعش و امثال این‌ها که عملاً در مخالفت مسلحانه با دولت مرکزی قرار دارند علیه نهادهای به‌ویژه محلی دولت مرکزی بجنگند.

با این‌ها تجربه‌ی تاریخی افغانستان مبین سه نکته‌ی مهم و اساسی به‌منابۀ بن‌مایه‌های استقرار نسبی دموکراسی قومی نیز می‌باشد. اول ایجاد نهادهای فراگیر؛ از قانون اساسی و سایر قوانین نافذی کشور تا ایجاد قوه‌های سه‌گانه دولت، انتخابات و امثال این‌ها. دوم تغییر در قاعده و شیوه‌ی توزیع، رهبری و مدیریت سیاسی قدرت؛ که بر اساس آن مشارکت سهمیه‌بندی‌شده‌ی اقوام و زنان در قدرت یکی از معیارهای مهم ساختاری و رهبری سیاسی کشور می‌باشد. سوم توسعه و انکشاف اجتماعی و فرهنگی در سطح جامعه؛ رشد جمعیت شهری، رشد میزان سواد، رشد جمعیت تحصیل‌کرده، رشد رسانه‌ها و تکنولوژی ارتباطات، وجود آزادی‌های مدنی و شکل‌گیری شیوه‌های بیان مدنی خواست‌ها و اعتراضات مردمی از طریق ایجاد جنبش‌های اعتراضی مانند جنبش‌های روشنائی و تبسم، از باز نمودهای قابل توجه توسعه و انکشاف در حوزه جامعه و فرهنگ می‌باشد. این سه نکته به اضافه‌ی حمایت‌های سیاسی و اقتصادی جامعه‌ی جهانی از افغانستان پساتالبان هنوز به‌منابۀ رمق حیاتی برای دموکراسی قومی در افغانستان اهمیت اساسی دارد. بنابراین ما هنوز در پناه یک دموکراسی نابالغ قومی و نیازمند به حمایت نفس می‌کشیم که چالش‌ها و فرصت‌های فراروی آن قرار دارد. برخی از این چالش‌ها و فرصت‌ها نظری می‌باشند و برخی دیگر عملی و عینی. در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

عدم انطباق ساختاری دولت و جامعه

جامعه‌ی افغانستان از نظر ساختاری متشکل از اقوام مختلف و از جمله چهار قوم پر جمعیت - پشتون، تاجیک، هزاره و ازبک - می‌باشد. ساختار اجتماعی سیاسی اقوام ساختار هرمی بوده و اقتدار اجتماعی و سیاسی در سطوح مختلف حالت متمرکز را دارا می‌باشند. اقوام مختلف در درون خود به قبایل، طایفه‌ها و خانوارها که به شیوه‌ی سنتی زندگی می‌کنند، قابل تجزیه می‌باشند. ضمن داشتن اقتدار نابرابر سنتی اقوام در سطح کشور، قبیله‌ها و طایفه‌ها و خانوارها از اقتدار سنتی خاص در سطح مناطق و محلات‌شان برخوردار می‌باشند. اما طی سه-چهار دهه جنگ و منازعه از آدرس‌های حزبی-تنظیمی و قومی-ایدیولوژیکی در داخل اقوام، سازوکارهای رقابت برای دست‌یابی و حفظ اقتدار سنتی توسط قبایل و خانوارها پیچیده‌تر شده است. علاوه بر گستردگی جمعیتی اعضای یک قبیله برای بودن بر سر اقتدار محلی، وابستگی‌های حزبی-تنظیمی و قومی-ایدیولوژیکی نیز یکی از ایجابات مهم دست‌یابی و ماندن بر سر قدرت در سطح محلات می‌باشد. همچنان نرخ بی‌سوادی و فقر در میان اقوام و قبایل بالا بوده و نابرابری جنسیتی به‌منابۀ یک ارزش نهادینه شده وجود دارد. اقوام دارای پیشینه‌ی منازعه‌یسی و تنش‌آلود، تفاوت‌ها و اشتراکات اجتماعی-فرهنگی، رویه‌های آمیخته با تبعیض و نابرابری، دارای سازمان‌ها، احزاب و تنظیم‌های سیاسی قومی و قومی-ایدیولوژیکی می‌باشند. این تنوع قومی-قبیله‌ی برخلاف توصیف‌های شاعرانه از آن، به‌منابۀ بزرگترین چالش در برابر مدیریت و رهبری سیاسی حاکمیت‌های تاریخی مرکزی افغانستان و به‌ویژه حاکمیت‌های ملی‌گرا و تجددخواه بوده و هست.

رفتارهای سازمان‌یافته‌ی سیاسی می‌باشد که با اتکا بر مؤلفه‌ها و غایت‌های قومی خواهان مشارکت در قدرت سیاسی، حفظ و گسترش آن می‌باشد.

قدرت؛ مسأله‌ی روابط قومی و درون‌قومی

در یک جامعه‌ی از نگاه قومی متکثر، چگونه می‌توان قدرت سیاسی را از موضوع منازعه و تقابل به محور مشارکت، تفاهم و همکاری سازنده تبدیل کرد؟ پاسخ واقعی این پرسش را باید با توجه ویژه به واقعیت‌های ساختاری و ارزشی جامعه جست‌وجو کرد، تنها متون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و یا رویاهای ذهنی کافی نیست. اشتباهی که اکثر حاکمان تاریخی افغانستان قبل از سال ۲۰۰۱ به‌طور مکرر مرتکب شدند. اما با سقوط طالبان، توسل به دموکراسی به‌منابۀ یک نظام سیاسی که دارای پایه‌های وسیع و فراگیر می‌باشد یک فصل جدید آغاز شد. دموکراسی تنها گزینه‌ی سیاسی می‌باشد که قابلیت فراهم‌سازی زمینه برای ایجاد تفاهم و تأمین مشارکت گروه‌های مختلف قومی، جنسیتی و حزبی-تنظیمی مخالف را از طریق سازوکارهای سیاسی و عاری از خشونت در ساختار قدرت دارا می‌باشد. بر این اساس ایجاد تفاهم میان احزاب، گروه‌ها و تنظیم‌های مخالف قومی مستلزم ایجاد میکانیزم‌ها، نهادها و ساختار سیاسی فراگیر می‌باشد تا مبتنی بر آن موانع مشارکت و همکاری افراد و گروه‌های قومی در امور سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی به فرصت‌ها و تسهیلات مشارکت همه‌جانبه‌ی همه‌ی گروه‌ها، احزاب، تنظیم‌های قومی و جنسیتی تغییر نماید. با ایجاد میکانیزم‌ها و نهادها و ساختارهای فراگیر در یک جامعه‌ی کثیرالقومی مثل افغانستان نه‌فقط زمینه‌ی مشارکت و همکاری میان اقوام مختلف در سطح ملی پدید می‌آید بلکه تأمین‌کننده‌ی مشارکت فراگیر افراد و گروه‌های درون‌قومی در سطح قومی نیز می‌باشد. این نسخه از دموکراسی را می‌توان دموکراسی قومی نام نهاد.

دموکراسی قومی یک دموکراسی دولتی می‌باشد. لایه‌ی اول بر محور سازش و تفاهم و مشارکت و همکاری اقوام مختلف در یک ساختار فراگیر سیاسی و اجتماعی و اقتصادی به‌نام دولت و ملت می‌چرخد و لایه‌ی دوم تفاهم، مشارکت و همکاری میان افراد، اقلیت‌ها، گروه‌ها و احزاب/تنظیم‌های قومی در سطح قومی را در برمی‌گیرد. از این منظر قدرت به‌منابۀ عنصر محوری در امر سیاست در یک جامعه‌ی کثیرالقومی صرفاً مسأله‌ی رابطه میان اقوام مختلف نیست بلکه مسأله‌ی داخلی اقوام نیز می‌باشد. برای مثال در افغانستان کثیرالقومی ما ممکن بتوانیم مسأله‌ی قدرت را در چارچوب روابط میان اقوام مختلف به‌گونه‌ی سازش کارانه میان رهبران کاریزمای قومی-تنظیمی حل کنیم؛ چنانچه در پانزده سال گذشته ما شاهد سازش‌کاری‌های سیاسی میان رهبران تنظیمی-قومی در افغانستان بر سر مسأله‌ی قدرت بودیم. اما اگر نتوانیم این مسأله را در چارچوب روابط درون‌قومی-میان قبایل و طوایف و خانوارها - نیز حل کنیم، دموکراسی قومی یک دموکراسی معیوب و لغزان و ناتوان از پاسخ‌گویی به نزاع و تقابل‌های نزاع‌آمیز بر سر قدرت خواهند بود. تجربه‌ی دولت‌های تاریخی افغانستان نشان می‌دهد که علاوه بر تهدیدهای ناشی از روابط میان اقوام مختلف، بیشترین تهدیدهای براندازنده علیه دولت‌های تاریخی افغانستان ریشه‌های درون‌قومی داشته است و این ریشه‌ها هنوز متأسفانه به‌منابۀ تهدیدات واقعی علیه دولت افغانستان وجود دارد. از باب نمونه می‌توان به مسأله‌ی طالبان از این منظر نگاه کرد. در سال ۲۰۰۱ با سقوط طالبان روند مفاهمه و مشارکت فراگیر تمام گروه‌ها، احزاب، تنظیم‌ها و سازمان‌های قومی بر سر چگونگی توزیع قدرت، نوع نظام سیاسی، سهم اقوام در قدرت و امثال این‌ها با شکل‌گیری دولت موقت، انتقالی و سپس انتخابی حامدکرزی عملاً آغاز شده و عینیت فیزیکی یافت. اما در آن زمان گروه‌های قومی-ایدیولوژیکی مانند طالبان جایگاهی در روند تفاهم و مشارکت سیاسی نداشتند و جو عمومی طوری بود که همه تصور می‌کردند، باید آن‌ها نابود شده باشند و یا هم

در آمد

با وجود آن‌که قانون اساسی و سایر قوانین نافذی کشور خطوط اساسی سامان‌بخشی به امورات دولت و جامعه را مبتنی بر معیارهای دموکراتیک و ملی تعریف و تعیین کرده است، اما روند عملی کشورداری در افغانستان پساتالبان به‌ندرت در خطوط تعیین‌شده‌ی قانونی حرکت کرده است. بعد از پانزده سال تلاش و حمایت پی‌گیر جامعه‌ی جهانی از افغانستان، جامعه و دولت در این کشور همچنان گرفتار نابسامانی‌های گسترده‌ی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌باشد. تخطی از قوانین کشور در سطوح مختلف، از مقامات بلندپایه‌ی کشور تا شهروندان عادی به یک امر معمول و روزمره تبدیل شده است. با صدور فرمان‌های ناقض قانون توسط شخص رئیس‌جمهور و اجراءات و خودسرریهای فراقانونی سایر مقامات و ارگان‌های دولتی و عدم رعایت قوانین توسط شهروندان عادی، همه آشنا هستیم. اختلافات بر سر توزیع قدرت میان رهبران سیاسی کشور همچنان به‌منابۀ چالش بحران‌زا وجود دارد. طالبان در مناطق به‌ویژه روستایی کشور عملاً به‌منابۀ بدیل نهادهای محلی دولت مرکزی حکومت می‌کنند و دامنه‌ی حاکمیت‌شان تا دروازه‌های برخی شهرها مانند هلمند، کندز، فراه، غزنی، بغلان، ارزگان نیز کشیده شده است. نقض حقوق بشر به‌صورت گسترده، حتا در سطح معاونیت اول ریاست‌جمهوری صورت می‌گیرد. دستگاه عدلی و قضایی از سطوح ابتدایی تا سطوح عالی در تطبیق عدالت تحت تأثیر عوامل متعدد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اداری و فساد مالی ناکام و غیرمؤثر بوده است. خزانه‌ی دولت همچنان خالی و نیازمند واریزهای سخاوتمندانه‌ی کمک‌دهندگان خارجی می‌باشد. فساد اداری و مالی و سیاسی در تمام سطوح دولت به‌طور گسترده وجود دارد. جرایم سازمان‌یافته و غیر سازمان‌یافته‌ی اجتماعی به‌طرز شگفت‌انگیزی در حال گسترش است. نرخ بیکاری به‌جایی رسیده که می‌تواند به یک تهدید جدی برای امنیت ملی کشور تبدیل شود. وضعیت کیفی آموزش و پرورش از سطح ابتدایی تا سطح عالی به‌طرز شرم‌آوری ناکارآمد و غیر پاسخ‌گو است. بنیادگرایی اسلامی به‌ویژه به‌منابۀ یکی از استراتژی‌های فرهنگی گروه‌های تروریستی و حامیان آن‌ها، روند رو به گسترش را می‌پیماید و عملاً زمینه‌ی جلب‌وجذب سرباز توسط گروه‌های تروریستی را تسهیل می‌نماید و امنیت ملی کشور را به چالش کشیده است. اما تلاش‌ها برای بهبود وضعیت چه در درون دولت و چه در بیرون دولت با چالش‌های عمیق سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و امنیتی مواجه می‌شود.

این نابسامانی‌های گسترده متأثر از عوامل متعدد می‌باشد. نقض گسترده‌ی قانون یکی از آن عوامل است. قانون به‌منابۀ قرارداد عمومی برای سامان‌بخشی به امور جامعه و دولت توسط تمام افراد، نهادها و سازمان‌ها وجود دارد. نقض گسترده و سیستماتیک آن نشان می‌دهد که عوامل آن عوامل ساختاری در جامعه و دولت می‌باشد. این مسأله با فرضیه‌های متعدد قابل توضیح است. یکی از فرضیه‌ها فرضیه‌ی قوم‌گرایی و به‌ویژه قوم‌گرایی سیاسی می‌باشد. در این نوشته کوشیده شده تا با یک رویکرد ساختارگرایانه عوامل ساختاری قوم‌گرایی و به‌ویژه قوم‌گرایی سیاسی و تأثیرات آن بر روند کلی سیاست و دولت‌داری در افغانستان پساتالبان تحلیل شود.

شایان ذکر است که در این نوشته مراد از قوم اجتماع معینی از انسان‌ها می‌باشد که علاوه بر قابل تجزیه بودن به اجتماعات کوچک‌تر مانند قبیله، طایفه و خانوار، بر اساس ویژگی‌های یک‌سان جسمی، زبان مشترک، مذهب مشترک و سنت‌های ویژه‌ی اجتماعی-فرهنگی مشترک برای خودشان هویت قابل تفکیک ایجاد کرده‌اند. مراد از قوم‌گرایی اعمال و رفتارهای سازمان‌یافته و غیر سازمان‌یافته‌ی قومی می‌باشد که به‌منظور حفظ و گسترش هویت، ارزش‌ها و اقتدار قومی از مجاری مختلف سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی در رقابت با سایر اقوام در بطن ساختار کلان اجتماعی و سیاسی جامعه صورت می‌گیرد. و مراد از قوم‌گرایی سیاسی دیدگاه‌ها، اعمال و

به دو دلیل. اول این‌که ساختار اجتماعی اقوام و قبایل یک ساختار متمرکز و اقتدارگرا می‌باشند. وجود سازمان‌ها و احزاب و تنظیم‌های سیاسی منطبق با این ساختار در میان اقوام به استحکام هرچه بیشتر ساختار متمرکز در جامعه کمک کرده است. خصیصه‌ی تمرکزگرایی و اقتدارگرایی در ساختار اجتماعی اقوام و قبایل از یک سو در توزیع، شیوه‌ی رهبری و مدیریت سیاسی قدرت و جامعه به‌ویژه در سطح محلی بر اساس سازوکارهای دموکراتیک چالش‌ساز می‌باشد و از سوی دیگر باعث گرایش دولت در خطوط اقتدارگرایی قومی و قبیلوی می‌گردد. دوم این‌که وجود سنت‌ها، ارزش‌ها و قوانین نانوشته‌ی قومی به‌طور کلی، به‌منابۀ هویت قومی اقوام و وفاداری کنلوی به این سنت‌ها به‌ویژه در امور سیاسی زمینه را برای گسترش حاکمیت قانون و توسعه‌ی دموکراتیک سیاسی و اجتماعی و فرهنگی تنگ ساخته و دولت را به زمینه‌ی برای سازش‌کاری‌های سیاسی فزون‌خواهانه و توأم با فساد مبدل می‌سازد.

استراتژی دولت‌داری در دولت حامد کرزی و دولت وحدت ملی نمونه‌ی بارز این روند است. مبتنی بر قانون اساسی موجود، ساختار دولت افغانستان دموکراتیک و غیرمتمرکز تعریف شده و روند اداره، رهبری و مدیریت سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی امور جامعه و دولت نیز به‌طرز دموکراتیک باید صورت بگیرد. اما در عمل به‌دلیل پیچیدگی‌های نامنطبق ساختاری جامعه با آنچه قانون اساسی به‌منابۀ حدود و چگونگی دولت و حاکمیت تعریف می‌کند، دولت‌مداران -چه در دولت حامد کرزی و چه در دولت اشرف غنی- نه‌تنها قادر به تطبیق و گسترش حاکمیت قانون نشده‌اند بلکه دیده می‌شود که روند عملی دولت‌داری حامد کرزی و به سلسله‌ی آن دولت وحدت ملی، به سازش‌کاری‌های قوم‌گرایانه میان بروکرات‌های تحصیل‌کرده و رهبران قومی-قبیلوی و قومی-تنظیمی در سطح ملی و محلی و دور زدن قانون فرو کاسته شده است. از باب مثال می‌توان به ایجاد ریاست اجرائیه در ساختار دولت اشاره کرد. این روند بیشتر منطبق به قواعد راهبردی است که در توافق‌نامه‌ی بن ارائه گردیده بود نه با آنچه که در قانون اساسی ارائه می‌گردد. طبق توافق‌نامه‌ی بن «وسیع‌البنیاد بودن» قاعده‌ی بنیادین تشکیل دولت پساتالبان در افغانستان بود. تشریح قومی موجود در افغانستان مستلزم ارائه‌ی یک تعریف منطبق با واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی افغانستان بود که بر اساس آن در توافق‌نامه‌ی بن دولت جدید را «دولت وسیع‌البنیاد» تعریف کردند؛ روندی که عرصه‌ی سیاست را به عرصه‌ی بازی‌های فوق قانون و غیر قابل پیش‌بینی میان بروکرات‌های از غرب برگشته، رهبران قومی، قبیله‌یسی و تنظیمی و حزبی مبدل کرده است. در حالی که مطابق قوانین نافذی کشور تمام امور دولت و جامعه منطبق بر اصول و قواعد دموکراتیک باید اداره، رهبری و مدیریت گردد.

بنابراین عدم دست‌یابی دولت‌های تاریخی افغانستان به ثبات پایدار سیاسی و اجتماعی و صعود و سقوط‌های پدیدری آن‌ها از یک‌سو ریشه در عدم تطابق ساختاری میان ساختار دولت و ساختار جامعه‌ی چندتکه دارد و از سوی دیگر وجود سنت‌های قومی و قبیلوی به‌منابۀ مهم‌ترین چالش در برابر گسترش حاکمیت قانون و حکومت‌داری خوب، همواره دولت‌های تاریخی افغانستان را از نظر رهبری و مدیریت به چالش‌های فوق توانایی آن فرا خوانده است. شکست پروژه‌های تجددخواهی و مدرنیزه کردن سیاسی، اجتماعی و فرهنگی افغانستان توسط شاه امان‌الله خان، کمونیزه کردن سیاسی و اجتماعی افغانستان توسط احزاب خلق و پرچم و اسلامیزه کردن دولت و جامعه توسط احزاب و تنظیم‌های قومی و جهادی و سپس رژیم طالبان باز نمودهای واقعی این مدعا است. بخش اعظمی از ناتوانی‌های دولت حامدکرزی و دولت وحدت ملی به‌رهبری اشرف غنی در تطبیق قانون و گسترش حاکمیت قانون نیز مرتبط به چالش عدم انطباق ساختاری میان دولت با جامعه می‌باشد. این ناتوانی به یک معنا بی‌ریشه‌گی اجتماعی دولت و در نتیجه ضعف اقتدار اجتماعی دولت را می‌رساند.

ادامه دارد...

حکومت چگونه مدیریت می کند؟

ستار ثابت

بیشتر گزارش‌هایی به نشر رسید بود حاکی از این‌که گروه طالبان در شماری از مناطق تحت کنترلش، به مردم دستور داده که صرفیه برق‌شان را به دولت نپردازند، بلکه باید این گروه تحویل بدهند. در تازه‌ترین مورد اما، مسئولان شرکت برشنا از ولایت قندوز خیر داده‌اند که در برخی از ساحات این ولایت، طالبان از مردم پول برق جمع‌آوری می‌کنند. برق ولایت قندوز از لینی تأمین می‌شود که از کشور تاجیکستان آمده و دولت افغانستان برای آن هزینه می‌پردازد و بخشی از این هزینه، همان پولی است که مردم در بدل استفاده‌ی برق، می‌بایست به دولت بپردازند. با این حال، سرزایر شدن این پول به خزانه‌ی طالبان، جدای از این‌که رابطه‌ی مردم با دولت را در چرخه‌ی عرضه‌ی خدمات و پاس‌دهی به آن، دچار اختلال می‌کند و مردم ناگزیر صرفیه‌ی برق را به گروهی بپردازند که در بدل آن جز خون و تباهی چیز دیگری عایدشان نمی‌شود، خزانه‌ی فقیر و ترحم‌آور دولت را خالی و فقیرتر می‌کند. زیرا دولت نیز عین همان کاری را که مردم می‌کنند، ناگزیر از تکرار آن است، یعنی با پول قرض و گدایی قیمت برقی را می‌پردازد که بازدهی آن به جیب دشمنان دولت می‌ریزد. در این رابطه، نکاتی قابل یادآوری است.

یک: چگونگی غلبه‌ی طالبان بر ولایت‌های شمالی و از آن جمله قندوز که منجر به دو بار سقوط مرکز این ولایت به‌دست طالبان شد، بیشتر زمانی مسئله‌دارتر می‌شود که درآمد اقتصادی و هزینه‌های جنگی طالبان، از زندگی قربانیان آن‌ها تأمین گردد. به این معنا که طالبان در قندوز، فقط کشتار و خون‌ریزی نمی‌کنند و فقط ادعای پوشالی تسلط حکومت بر مناطق را به نقد نمی‌کشند، بلکه با سلطه‌ی فراگیر و علنی، قربانیان‌شان را وادار به مالیات‌دهی به‌خاطر کشتن آن‌ها نیز می‌کنند. این رویه به طالبان کمک می‌کند که کشتار و فاجعه‌سازی آن‌ها، وجهی از بازتولید اقتصادی را نیز با خود داشته باشند. مهم‌ترین مسئله در جنگ‌ها، چگونگی تأمین هزینه‌ی آن‌هاست. حکومت افغانستان نیز در اغلب موارد، برای ناتوانی خود در مواجهه با طالبان، توجیه نبود امکانات جنگی و اقتصادی آورده است. این مسئله تا حد زیادی قابل درک است. اکنون اگر طالبان، چنانچه در دیگر مناطق بیشترین هزینه‌ی جنگی‌شان را از قبیل زرع و تجارت موارد منحصر تأمین می‌کنند، پول برق و عایدات دیگر مردم را تصاحب کنند، در واقع توان رزمی خود را بالا برده و امکان موفقیت بیشتری در برابر دولت در جبهه‌های جنگ

حکومت افغانستان در عرضه‌ی خدمات و نیز رویارویی با مخالفان، یا صداقت و یا توان لازم را ندارد. دیری نمی‌گذرد از این که بخش وسیعی از مردم به دنبال اعتراضات مدنی به دلیل تغییر مسیر عبور یک لین برق و عدم پاسخ‌دهی لازم حکومت به آن، اعلام کردند که دیگر پول برق را به حکومت نمی‌پردازند. حالا این که این کار چقدر شانس عملی شدن را دارد یا خیر، حرفی نیست؛ حرف این است که حکومت نمی‌تواند با از کنار هم چیدن این موارد، این نتیجه را بگیرد که در عرضه‌ی خدماتی که حق مردم است، با مردم به گونه‌ی که لازم بوده رفتار نکرده است. اقدامی که حکومت در رابطه با تغییر مسیر عبور لین برق کرد، می‌تواند چراغ سبز دیگری باشد به طالبان برای این که امکان تسلط بر مجراهای اقتصادی کشور، در حد وسیع‌تری برای آن‌ها توسط حکومت فراهم می‌گردد. زیرا مسیری که با تصمیم دولت لین جدید از آن می‌گذرد، همان مسیری است که طالبان در این آخرها کنترل نسبتاً کامل آن را در اختیار دارند و طبق گزارش‌های برخی از سران حکومتی، سلطه‌ی فراگیر تر آن‌ها بر آن مسیر و مناطق نیز به شدت زیاد است.

به‌دست می‌آورند. ممکن است به‌دلیل فساد و ناروایی‌های موجود در ادارات دولتی، تصور شود که جمع‌آوری پول برق توسط طالبان، مسأله‌ی نیست که باعث تغییر زیادی در وزنه‌ی رزمی و اقتصادی طالبان یا دولت شود، واقع اما این است که در کنار این‌که مردم در خصوص استفاده از حداقل امکانات، وابسته‌ی طالبان می‌شوند، به همان اندازه که این گروه توان رزمی خود را بالا می‌برد، دولت تضعیف می‌شود و نیز رابطه‌ی سرراستش با مردم را از دست می‌دهد. از این رو، لازم است که دولت این مسأله را درست همچون یک مورد جنگی مهم، مورد توجه قرار دهد و برای کنترل کامل ماجرا به نفع خود، دست به کار شود. دو: حکومت افغانستان در عرضه‌ی خدمات و نیز رویارویی با مخالفان، یا صداقت و یا توان لازم را ندارد. دیری نمی‌گذرد از این که بخش وسیعی از مردم به دنبال اعتراضات مدنی به دلیل تغییر مسیر عبور یک لین برق و عدم پاسخ‌دهی لازم حکومت به آن، اعلام کردند که دیگر پول برق را به حکومت نمی‌پردازند. حالا این‌که این کار چقدر شانس عملی شدن را دارد یا خیر، حرفی نیست؛ حرف این است که حکومت نمی‌تواند با از کنار هم چیدن این موارد، این نتیجه را بگیرد که در عرضه‌ی خدماتی که حق مردم است، با مردم به گونه‌ی که لازم بوده رفتار نکرده است. اقدامی که حکومت در رابطه با تغییر مسیر عبور لین برق کرد، می‌تواند چراغ سبز دیگری

باشد به طالبان برای این که امکان تسلط بر مجراهای اقتصادی کشور، در حد وسیع‌تری برای آن‌ها توسط حکومت فراهم می‌گردد. زیرا مسیری که با تصمیم دولت لین جدید از آن می‌گذرد، همان مسیری است که طالبان در این آخرها کنترل نسبتاً کامل آن را در اختیار دارند و طبق گزارش‌های برخی از سران حکومتی، سلطه‌ی فراگیر تر آن‌ها بر آن مسیر و مناطق نیز به شدت زیاد است. جمع‌آوری پول برق توسط طالبان در قندوز، این مطلب را می‌رساند که این گروه، تسلط همه‌جانبه و همیشگی بر آن ولایت دارد و کنترل مناطق به‌دست دولت، یک توهم و توطئه است. می‌توان مسأله را این‌گونه مطرح کرد: چیزی که در رابطه‌ی مردم و دولت بالمقابل، به دولت تعلق می‌گیرد، آن را در ساحه‌ی که حکومت ادعای کنترلش را دارد، طالبان از آن خود می‌کنند؛ پس بُرد و برجستگی با کدام طرف ماجرا است؟ این یک مسأله‌ی مقطعی و موردی هم نیست، بلکه یک پروسه است که تداوم آن را پس از هر دوونیم ماه، موعد جمع‌آوری پول برق تأیید می‌کند. دولت در این مدت، در مقام نیروی کنترل‌گر، وجود ندارد و جای آن را طالبان گرفته‌اند. اما چرا این مسأله به روشنی مطرح نمی‌شود و حکومت همیشه از «مدیریت» مناطق حرف می‌زند؟ میان مدیریت مناطق توسط حکومت و جمع‌آوری پول برق و مالیات و عشر توسط طالبان، چگونه رابطه‌ی می‌تواند وجود داشته باشد؟

چشم‌سنگ

سخن‌های

چشم‌سر و چشم‌خیال

فرض کنید به رستورانی می‌روید که گفته می‌شود غذاهای فوق‌العاده دارد. از جمله، شنیده‌اید که کباب ماهی‌اش در سراسر جهان نظیر ندارد. ماهی‌های این رستوران را آشپز شصت‌ساله‌ی می‌پزد که همیشه ریش خود را بلند می‌گذارد. پشت میزی می‌نشیند و کباب ماهی‌تان را می‌آورد. ماهی را می‌خورید و با خود می‌گویید: «واقعاً که این آشپز در کار خود استاد است. در تمام عمرم چنین غذایی نخورده بودم».

قیمت غذا را می‌پردازید و از رستوران بیرون می‌آید. روزی دیگر قصه‌ی ماهی دیشبه‌ی‌تان را با یکی از دوستان خود می‌گویید. دوست‌تان مکث می‌کند و می‌گوید:

«سر ماهی‌اش که حرفی نیست. منتهای این آشپز عادت بدی دارد. ماهی‌ها را یک دقیقه پیش از پختن اول خوب بر سر و ریش و گردن و شکم خود می‌مالد؛ بعد آن را می‌پزد. اعتقاد مزخرفی دارد. فکر می‌کند با این کار ماهی متبرک می‌شود».

شما با ناباوری به دوست خود نگاه می‌کنید. اما دوست‌تان قسم می‌خورد که آنچه او می‌گوید واقعیت دارد.

آن‌گاه شما مرد ریشویی را می‌بینید که ماهی‌بی در دست دارد و آن را اول بر موی خود می‌کشد، بعد بر ریش و گردن خود و سر انجام پیراهن خود را بالا می‌زند و آن را بر شکم خود می‌مالد. دل‌تان بد می‌شود. به جای آن احساس مثبت دیشب‌تان موجی از بی‌زاری می‌ریزد.

چرا؟ به‌خاطر این که دیدن چنان صحنه‌ی واقعاً نفرت‌انگیز است. اما شما که چیزی ندیده‌اید. فقط چیزی شنیده‌اید. چرا شنیدن آنچه که دوست‌تان گفت در شما این قدر بی‌زاری انگیزت؟ پاسخ به این سوال وجه جالبی از آدمیت ما را روشن می‌کند. ما در واقع از طریق گوش خود هم «می‌بینیم». ما اگر نتوانیم در صداها بی‌معنا به گوش مان می‌رسند پاره‌هایی از جهان را ببینیم آن صداها بی‌معنا می‌شوند. ما برای دیدن مستقیم جهان چشمی داریم معروف به چشم‌سر. اما برای دیدن آنچه که چشم‌سر نمی‌تواند ببیند، چشم دیگری داریم: چشم‌خیال.

این در مورد سنگین شدن حجاب و تاکید بر غلیظ‌تر شدن آن نیز صادق است (ماجرای اخیر در دانشگاه هرات). پوششی که تن را پنهان می‌کند همان رختی را به ما نشان می‌دهد که به‌عنوان پوشش به‌کار گرفته شده. در این مورد چشم‌سر ما لباس را می‌بیند. اما هر تن‌پوشی ناگزیر چشم‌خیال ما را هم فعال می‌کند. چرا که می‌دانیم در زیر هر تن‌پوشی تنی هست. این تن چه‌گونه چیزی است؟ تن پوشیده در لباس چه‌گونه چیزی است؟ این سوال‌ها را چشم‌خیال می‌پرسد.

نتیجه این می‌شود که هر چه پوشش سنگین‌تر می‌شود چشم‌خیال ما سوال‌های بیشتری می‌پرسد یعنی فعال‌تر می‌شود. و هر چه چشم‌خیال ما سوال‌های بیشتری درباره‌ی تن بپرسد، سوال‌های کمتری در دیگر زمینه‌ها خواهد پرسید. آن‌گاه ما می‌مانیم و مردمی که با چشم‌سر بر عریانی نفرین می‌فرستند، اما چشم‌خیال‌شان پیوسته با «طلب عریانی» درگیر است.

بی‌خود نیست که در کشورهایی که از نظر عریانی در «اوج فساد» اند، خیال‌ها برای پرسش‌های فراتر از تن این قدر آزاداند. اما در کشورهای اسلامی که عریانی نیست (و بنابراین از این جهت فساد نیست)، خیال‌ها همه درگیر تن‌اند. در کشورهای «فاسد» و پامال‌کننده‌ی اخلاق طیاره و کامپیوتر می‌سازند. در کشوری به‌نام افغانستان - که از بس تنزه و پاکیزه‌گی اخلاق داشت به‌دست طالبان افتاد- بیست میلیون نفر جمع شده بودند و می‌خواستند دسته‌ی چاقو بسازند اما ناگهان دیدند که تعدادی از «خواهران» چادری‌پوش از سرک رد می‌شوند. همه دست از کار کشیدند و چاقوی‌شان بی‌دسته ماند.

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزل‌تان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتها

۳۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۵۰۰۰ افغانی

یک ساله

برای متعلمین و محصلین

۲۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۴۰۰۰ افغانی

یک ساله

zaki.daryabi2@gmail.com

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی

معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا

سردبیر: خلیل پژواک

دبیر خبر: عصمت الله سروش

گزارشگر: الیاس نواندیش

ویراستار: عمران راتب

صفحه آرا: هادی دریابی

hussainjoya2014@gmail.com

بازاریاب: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا

شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰

مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۲۲

چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.



گردهمایی‌های اعتراضی در آستانه‌ی مراسم تحلیف ترامپ

بزرگداشت از فعالیت‌های خستگی‌ناپذیر مارتین لوتر کنگ فقید رهبر سیاه پوستان ایالات متحده است که رخصتی عمومی می‌باشد. دونالد ترامپ در جریان مبارزات انتخاباتی‌اش تعهد کرد که برنامه‌ی (دی ای سی ای) یا پروگرام رسیدگی به اطفال مهاجر در داخل ایالات متحده را خاتمه می‌بخشد. در امتداد سرحد مکزیکو دیوار اعمار می‌کند، حدود دو تا سه میلیون مهاجر را که در این کشور زیست می‌کنند، به دلیل این‌که گویا غیرقانونی هستند، اخراج خواهد کرد.

تعهداتش که در جریان کمپاین‌های مبارزاتی سپرده بود. حمایت کنندگان مهاجرین با راه‌اندازی چنین گردهم‌آیی‌ها، رئیس‌جمهور منتخب را ترغیب می‌کنند تا از اخراج جمعی مهاجرین خودداری نموده و از برنامه‌ی (دی ای سی ای) حمایت کند که به بیشتر از هفتصد هزار مهاجر می‌بخشد. اطفال وارد آمریکا شده‌اند، کمک کرده‌اند. راهپیمایی‌ها تحت شعار «این جا برای ماندن» روز شنبه در جریان آخر هفته‌ی باارزش آغاز گردید- به این معنا که روز دوشنبه روز

اطلاعات روز: به مراسم تحلیف دونالد ترامپ منحیث چهل‌وپنجمین رئیس‌جمهور ایالات متحده، فقط چهار روز باقی مانده است. در حمایت از حقوق مهاجرین و اقلیت‌ها، قانون ارایه‌ی خدمات صحتی و بیمه، و به‌طور کل برای توجه به حقوق بشری و مدنی، در بیشتر از ۶۵ شهر ایالات متحده، مظاهره آغاز شده است. به نقل از صدای آمریکا، کلیسای تاریخی مربوط به سیاهپوستان میثودیسیت بار دیگر مملو از مردم بود- این بار به دلیل ترغیب دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب برای توقف بعضی از

بگو مگو 

Kawa Jobran



حاشیه‌های فربه‌تر از متن

سخن‌زدن با آنانی که الگوهای رفتاری و فکری‌شان را از سلبریتی‌ها و اسطوره‌های اجتماعی وام می‌گیرند، بسیار دشوار است. به همین دلیل دیروز وقتی فیس‌بوک را باز کردم و هیاهویی را که خلیل یوسفی با ترانه‌ی خراسان خلق کرده بود متوجه شدم، تصمیم گرفتم که سکوت کنم. چون چانه‌زدن با این همه حاشیه‌پردازان و قلم‌داران فیس‌بوکی ناممکن است؛ مگر مغز پولادین باشد و وقت نوح. اما برخی تذکرات و تأمل‌های متین و منطقی نیازمند پاسخ اند که سکوت در برابر آن این حاشیه‌ها را ممکن فربه‌تر کند.

● فرم‌های ادبی، در تناسب با سرشت و ماهیت‌شان، ناقل پیام‌ها و محتوای ویژه‌ی اند. محتوای سخن به قامت فرم بیان‌شان، شیوه، محتوا، غلظت و رقت خود را عوض می‌کنند و طبیعتاً همین فرم است که تأثیر محتوا را تعیین می‌کند. در این مقام، ایراد برخی که ترانه‌ی خراسان را نوستالژیک و انتزاعی تشخیص دادند، درست است اما عیب کار این جاست که دوستان از کارکرد ترانه و شعر و سایر فرم‌های ادبی بی‌خبر اند. این‌ها متوجه نیستند که بخشی از کار ادبیات، خلق نوستالژی و انتزاع است. اشتباه این جاست که فرم‌های سخن را نمی‌شناسند و توقع توضیح تئوریک مبحثی تاریخی را از ترانه‌ی مثل صدواژه‌ی دارند. این توقع بسیار نابه‌جا و بی‌معناست اما آن‌چه مرا با نقد این دوستان هم‌سو می‌سازد، تأثیر سرکوبگر و رفتار آفرینی است که بر جامعه‌ی سلبریتی‌پرست می‌گذارد. از این منظر تذکر حکایت ویرانی‌ها و ناتوانی‌های خراسان قدیم منطقی و متین است.

● اساساً نوستالژی خود تعلق عاطفی و مبهمی است که جای خالی نداشتنه‌های آدمی را پر می‌کند. دریغ و حسرتی برای از دست‌رفته‌ها، زمانی که جای خالی چیزی در درون مان اذیت‌کننده می‌شود؛ این نوستالژی به کمک می‌رسد. فرازهای کنده‌شده، تک‌ساحتی، یک‌لختی از پدیده‌ها و روایت‌ها که مبنای آن یا تجربه‌ی شخصی است و یا هم خاطرات. نوستالژی اساساً چیزی بدی نیست. نیاز روانی و مخدر است؛ مگر این که جای عقل بنشانی‌اش. حیثه‌ی کارش هم مشخص است. ادبیات، موسیقی، سینما و... هر چه از جنس غیر عقل است. اما شماری از روی اکت اغراق می‌کنند و به غلط جای آن را تعویض. جای نوستالژی دقیقاً همان جاست. روی یک ترانه، روی یک موسیقی. دعوا باز کردن در این مقال، اکت ابلهانه‌ی فرهیخته‌نماست که ضرورت آن را درست نمی‌بیند.

● تذکر رفت که حسرت خراسان آن هم روی یک ترانه، دقیقاً جای خالی یک نیاز نشسته، انکار این نیازمندی فقط مال کسانی است که شناخت درستی از این اجتماع ندارند. هویتی که عمومی و فراگیر باشد، یک ترانه‌ی نوستالژیک و یک موسیقی معمولی نمی‌تواند ریشه‌اش را بکشد. دعوی ارزش‌های مدرن‌داشتن، مقابل نوستالژی خراسان هم سخنی گزافه است. برعلاوه این نوستالژی برابر ارزش‌های مدرن ناپستاده، بل، این هویت افغانی است که عینیت این ستیزه را دارد. عملاً در زنده‌گی واقعی ما تجربه می‌شود و منکر همه چیز است. این ترانه شخصاً برای من مدعی تغییر نام افغانستان به خراسان نیست و نه هم انتساب خراسان به قوم خاصی. بل اعتراضی‌ست برای هویتی جعلی و کاذب. اعتراضی برای بی‌هویتی و سرگردانی و بی‌ارزشی امثال من است. بار تغییر نام کشور بر اساس یک ترانه، دریافت بسیار سخیفانه و سنگین از یک اعتراض معقول است. جالب‌تر از همه این که مانده‌ام این همه فرهیخته‌گان سلبریتی‌پسند و منتقدان ناظر بر وضعیت، این همه سال که این ترانه را در همین فیس‌بوک خاک می‌خورد کجا بودند. این تریبون ستاره افغان چه منتقدانی را که از سوراخ‌های‌شان بیرون نمی‌کشند!

● این بند را می‌خواستم برای آن گروه از مزدبگیران فیس‌بوکی بنویسم اما حقیقت این که، واقعا عار دارم از سخن‌زدن با آنانی که کارشان خلق کیش شخصیت است و حتا در پروفایل‌های‌شان برای جلب اطمینان صاحب‌کارشان، عکسی به نام ناجی قوم و رهبر حزب می‌گذارند و بعد برای جماعت اکت فرهیخته‌گی می‌کنند. دوست دارم پاسخ ایشان را سه نقطه بگذارم.

مراسم استقبال رسمی از نیروهای نظامی امریکادر لهستان برگزار شد

از مرز آلمان وارد جنوب غرب لهستان شدند و مورد استقبال مردمی قرار گرفتند که پرچم‌های ایالات متحده را در دستان خود داشتند. روسیه که با واشنگتن بر سر برخی مسائل عمده اختلاف دارد و روابطش با آمریکا دچار تنش شده است، حضور ارتش آمریکا در لهستان را تهدیدی علیه امنیت خود دانسته است. به‌دنبال دخالت مسکو در بحران اوکراین و الحاق شبه‌جزیره کریمه، نگرانی‌های آمریکا و اروپا، به‌ویژه جمهوری‌های سابق شوروی، از تحرکات روسیه در منطقه افزایش یافته است.

کشورهای غربی در نواحی شرقی حوزه‌ی ناتو در اروپا و در نزدیکی مرزهای روسیه است. نخست‌وزیر لهستان طی سخنانی در مقابل سربازان آمریکایی و لهستانی حاضر در این مراسم گفت، امروز «روزی مهم برای لهستان، برای اروپا، و برای دفاع مشترک ماست». آنتونی ماچروویچ، وزیر دفاع لهستان نیز در این مراسم حضور داشت و خطاب به نیروهای آمریکایی گفت: «ما مدت طولانی در انتظار شما بودیم؛ برای ده‌ها منتظر بودیم». نخستین واحد نظامیان آمریکایی روز پنج‌شنبه

اطلاعات روز: مقام‌های ارشد لهستان روز شنبه در یک مراسم رسمی از ورود نیروهای ارتش ایالات متحده و استقرار آن‌ها در کشورشان استقبال کرده و آن را روز مهمی برای لهستان و اروپا خواندند. به نقل از صدای آمریکا، این مراسم در روستای زگان در غرب لهستان و با حضور نخست‌وزیر بئاتا شدوو، ۲۳ سال پس از خروج آخرین واحد نظامی اتحاد جماهیر شوروی سابق از لهستان برگزار شد. استقرار نظامیان آمریکایی در لهستان همچنین نخستین مورد از اعزام نیروهای نظامی

عراقچی: ترامپ بر جام‌راپاره کند ما آن را آتش می‌زنیم

این مذاکره‌کننده‌ی ارشد ایرانی گفت که در «یک سال گذشته از ایرانی که یک تهدید محسوب می‌شد به ایرانی تبدیل شدیم که نقش آن در قطع‌نامه‌ی شورای امنیت درباره‌ی سوریه مورد توجه قرار می‌گیرد». اشاره‌ی آقای عراقچی به آتش‌بس اخیر در سوریه و مذاکرات طرف‌های درگیر است که قرار است بزودی در آستانه، پایتخت قزاقستان، برگزار شود. آقای عراقچی تأکید کرد «شورای امنیت ۶ قطعنامه‌ی ذیل فصل هفت علیه ایران صادر کرده بود.. که اکنون تمام این‌ها لغو شده است.»

به گفته‌ی این مقام ایرانی، وزارت خارجه‌ی ایران دیروز چهارمین گزارش خود را به کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ارائه خواهد کرد. وزارت امور خارجه‌ی ایران موظف است هر سه ماه یک بار گزارش اجرای برجام و پایبندی طرف مقابل به تعهداتش را به مجلس ارائه دهد.

رئیس‌جمهور شود این توافق را ملغی خواهد کرد و با چند برابر کردن تحریم‌ها، برای توافقی مذاکره خواهد کرد که مثل اولی «مایه‌ی خنده» نباشد. هر چند که او بعداً لحن ملایم‌تری را پیش گرفت و اعضای پیشنهادی کابینه‌ی او هم با وجود انتقاد از توافق هسته‌ی ایران گفته‌اند که آن را حفظ خواهند کرد. آقای ترامپ پنج روز دیگر (۲۰ جنوری) به‌عنوان رئیس‌جمهور جدید آمریکا سوگند خواهد خورد. آقای عراقچی در نشست خبری خود در اولین سالگرد اجرا شدن برجام گفته است که «تمامی درآمدهای حاصل از فروش نفت قابل وصول است و این پول باعث رشد اقتصادی کشور شده است» اگرچه به گفته‌ی او در حوزه‌ی بانکی هنوز شرایط به حالت عادی برگشته است. به گفته‌ی معاون وزارت خارجه‌ی ایران، مسأله‌ی ابعاد نظامی احتمالی برنامه‌ی هسته‌ی ایران (پی ام دی) نیز بسته شده است.

اطلاعات روز: عباس عراقچی، معاون وزیر امور خارجه‌ی ایران، گفته است که با اجرایی شدن موافقت‌نامه‌ی هسته‌ی بین ایران و قدرت‌های جهانی موسوم به برجام، دیگر «هیچ مذاکره‌ی سیاسی درباره‌ی آن با دولت فعلی و دولت آینده‌ی آمریکا نداشته و نداریم و فقط درباره‌ی مسایل فنی در سطح کارشناسی به ضرورت صحبت می‌کنیم». به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، آقای عراقچی در اظهارات دیروز خود در وزارت خارجه‌ی این کشور همچنین تأکید کرد: «فکر می‌کنم دولت جدید آمریکا هم قادر به کنار گذاشتن برجام نیست اگر هم به این تصمیم برسند ما برای همه نوع شرایطی آمادگی کامل داریم. اگر ترامپ برجام را پاره کند ما هم آن را آتش می‌زنیم». اشاره‌ی آقای عراقچی به سخنان دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب امریکاست که برجام را یکی از بدترین توافقی‌هایی که در تاریخ امضا شده نامیده است. او اوایل مبارزات انتخاباتی‌اش گفت اگر

درگیری‌های خونبار جدید در یک زندان در برزیل

زندانی در آن به‌سر می‌برند. از آغاز سال نو میلادی تاکنون در درگیری‌های گروه‌های جنایتکار در زندان‌های برزیل، ۱۰۰ نفر جان خود را از دست داده‌اند. گروه‌های جنایتکار برای به‌دست آوردن کنترل قاچاق مواد مخدر با یکدیگر درگیر می‌شوند. افزون بر این زندان‌های برزیل مملو از جمعیت است. به‌گفته‌ی وزارت عدلیه این کشور در زندان‌ها ۶۲۲ هزار نفر به‌سر می‌برند در حالی که این زندان‌ها در مجموع برای ۳۷۲ هزار نفر جا دارند.

به نقل از رادیو زمانه، پولیس امنیت بیرون زندان را تأمین کرد اما گفت در داخل زندان افراد دو گروه همچنان آزادانه می‌گردند و مسلح هستند. یکی از مسئولان پولیس گفته است: «وظیفه‌ی ما این است که مانع از فرار زندانیان شویم». مأموران امنیتی قصد داشتند به زندان حمله‌ور شوند. آن‌ها از آن نگران‌اند که در داخل زندان کشته‌های بیشتری وجود داشته باشد. زندان «آکاسوس» برای حدود ۶۲۰ زندانی جا دارد اما در حال حاضر یک هزار و ۸۳ آن به‌سر می‌برند.

اطلاعات روز: در درگیری‌های تازه بین دو گروه از زندانیان وابسته به باندهای جنایتکار در یک زندان برزیل دست‌کم ۱۰ نفر کشته شدند. رسانه‌های برزیل نوشته‌اند در جریان درگیری دو باند جنایتکار در بازداشتگاه «آکاسوس» در شهر ناتال واقع در شمال شرق برزیل از جمله سه نفر سر بریده شدند. درگیری این دو گروه زمانی آغاز شد که اعضای یک باند وارد حریم گروه دیگر شدند. به نقل از رادیو زمانه، پولیس امنیت بیرون زندان

بازگشت زندگی عادی به شرق موصل عراق

از آغاز سال نو میلادی تاکنون در درگیری‌های گروه‌های جنایتکار در زندان‌های برزیل، ۱۰۰ نفر جان خود را از دست داده‌اند. گروه‌های جنایتکار برای به‌دست آوردن کنترل قاچاق مواد مخدر با یکدیگر درگیر می‌شوند. افزون بر این زندان‌های برزیل مملو از جمعیت است. به‌گفته‌ی وزارت عدلیه این کشور در زندان‌ها ۶۲۲ هزار نفر به‌سر می‌برند در حالی که این زندان‌ها در مجموع برای ۳۷۲ هزار نفر جا دارند.

را تأمین کرد اما گفت در داخل زندان افراد دو گروه همچنان آزادانه می‌گردند و مسلح هستند. یکی از مسئولان پولیس گفته است: «وظیفه‌ی ما این است که مانع از فرار زندانیان شویم». مأموران امنیتی قصد داشتند به زندان حمله‌ور شوند. آن‌ها از آن نگران‌اند که در داخل زندان کشته‌های بیشتری وجود داشته باشد. زندان «آکاسوس» برای حدود ۶۲۰ زندانی جا دارد اما در حال حاضر یک هزار و ۸۳ زندانی در آن به‌سر می‌برند.

اطلاعات روز: در درگیری‌های تازه بین دو گروه از زندانیان وابسته به باندهای جنایتکار در یک زندان برزیل دست‌کم ۱۰ نفر کشته شدند. رسانه‌های برزیل نوشته‌اند در جریان درگیری دو باند جنایتکار در بازداشتگاه «آکاسوس» در شهر ناتال واقع در شمال شرق برزیل از جمله سه نفر سر بریده شدند. درگیری این دو گروه زمانی آغاز شد که اعضای یک باند وارد حریم گروه دیگر شدند. به نقل از رادیو زمانه، پولیس امنیت بیرون زندان

طعنه دیگو سیمئونه به توپ طلای رونالدو

اتلتیکو مادرید روز شنبه در یکی از ضعیف‌ترین بازی‌های فصل خود موفق شد در ویسنته کالدرون با تک گول گابتان بر رئال بتیس غلبه کند.

بتیس بارها فرصت به تساوی کشیدن بازی را داشت اما بدچانسی و بی‌دقتی مهاجمان این تیم در کنار درخشش دروازه‌بان اتلتیکو باعث شد تک گول دقیقه ۸ گابتان تا انتها حفظ شود. اتلتیکو با این پیروزی همچنان در رده چهارم باقی ماند.

انتقادات زیادی به سبک نتیجه‌گرایی بازی اتلتیکو در هفته‌های اخیر وارد شده است اما سیمئونه در واکنش به این موضوع گفت: «فقط پیروزی اهمیت دارد. ۳۰ دقیقه نخست خیلی خوب

بودیم. بتیس در دقایق پایانی از طریق کناره‌ها سعی داشت موقعیت ایجاد کرده و گول‌زنی کند. زمانی که یک‌صفر پیش هستید، احتمال تساوی وجود دارد؛ ولی ما بازی را خوب کنترل کردیم. در نیمه دوم موقعیت‌های گول‌مان خیلی کم بود اما نتیجه از همه مهم‌تر است. کافی است به توپ طلا نگاه کنید. از برنده توپ طلا به عنوان بهترین بازیکن تعبیر می‌شود. بدون نتیجه‌گیری هیچ چیزی به دست نخواهد آمد.» لازم به ذکر است که هواداران لیونل مسی اعتقاد دارند که رونالدو امسال بیشتر به دلیل کسب افتخارات تیمی مهم‌تر، توانست فاتح توپ طلا شود نه به دلیل شایستگی‌های فردی.

ایکاردی: همیشه وقت برای رفتن به چین هست

مانورو ایکاردی، کاپیتان ایتر، اعلام کرد از بودن در سری A راضی است اما احتمال رفتنش به لیگ چین در پایان دوران حرفه‌یی خود را رد نکرد. تیم‌های سوپرلیگ چین با پیشنهادهای خیره‌کننده در یک سال اخیر بازیکنان صاحب نامی را به خدمت گرفتند؛ از جمله در همین جنوری که ستاره‌هایی مانند کارلوس ته وز و اسکار راهی شانگهای شنهوا و شانگهای SIPG شدند. ایکاردی در ابتدایی پاییز گذشته قراردادش را با ایتر برای ۵ سال دیگر تمدید کرد و تاکید کرد فعلا به رفتن به چین فکر نمی‌کند. او به خبرنگاران گفت: «چین؟

مورینیو: پوگبا می‌تواند مانند لمپارد شود

ژوزه مورینیو، سرمربی منچستر یونایتد، معتقد است که پل پوگبا می‌تواند مانند فرانک لمپارد، به آمار گول‌زنی بسیار خوبی دست پیدا کند. پوگبا در ۲۷ دیداری که در همه رقابت‌های این فصل برای منچستر یونایتد انجام داد، تنها ۶ بار موفق به گول‌زنی شد اما مورینیو معتقد است گران‌ترین بازیکن دنیا می‌تواند آمار بهتری از خود به جا بگذارد. او به خبرنگاران گفت: «من از نظر ذهنی کار زیادی برای او انجام ندادم. کیفیت تکنیکی و ذهنی پوگبا، بخشی از اوست. از نظر تاکتیکی من تغییراتی ایجاد به او توصیه‌هایی کردم و تلاش کردم تا دینامیسمی در تیم به وجود بیاورم که او بتواند خطرناک‌تر باشد و بتواند در موقعیت‌هایی قرار بگیرد که پتانسیل گول‌زنی



اطلاع‌رسانی

دوشنبه | ۲۷ جدی، ۱۳۹۵
سال ششم | شماره ۱۲۲۷

۷

انریکه: خوشحالم که ویدال مرا غافلگیر کرد

الکس ویدال، مدافع راست بارسا که هفته‌ها حتی در فهرست ۱۸ نفره بارسا نیز قرار نمی‌گرفت، شنبه شب از ابتدا برابر لاس پالماس به میدان رفت و ضمن ارائه نمایش درخشان، یک گول نیز به ثمر رساند.

ویدال که یکی از گزینه‌های جدی خروج از بارسا در نقل و انتقالات زمستانی است، حالا به احتمال زیاد در جمع آبی‌ناری‌ها ماندگار خواهد شد. او تابستان ۲۰۱۵ به اصرار لوئیس انریکه از سویا جذب بارسا شده بود.

انریکه در نشست خبری پس از بازی که با برتری ۰-۵ بارسا به اتمام رسید، در مورد ویدال گفت: «بازیکنی مانند ویدال، با آمادگی بالایی که از خود نشان داد، مرا غافلگیر کرد و به این خاطر خوشحالم. او نشان داد بازیکنی باکیفیت و آماده است. ویدال بسیار خوب ظاهر شد و ثابت کرد در مورد او اشتباه می‌کردم. الکس با وجود این‌که به ندرت در ترکیب بارسلونا به میدان رفته بود؛ اما ثابت کرد که از نظر بدنی در شرایط بسیار خوبی قرار دارد.»

اوزیل، مرد سال فوتبال آلمان به انتخاب هواداران

مسوت اوزیل، ستاره آرسنال برای پنجمین بار عنوان بهترین فوتبالیست آلمان به انتخاب هواداران را تصاحب کرد. در نظرسنجی صورت گرفته در وبسایت فدراسیون فوتبال آلمان، اوزیل ۵۴٫۵ درصد آرا را به خود اختصاص داد و اول شد. پس از او نیز تونی کروس، ستاره رئال با ۳۳٫۹ درصد و یوناس هکتور، ملی پوش کلن با ۴ درصد آرا، دوم و سوم شدند. این پنجمین بار است که اوزیل این جایزه را از آن خود می‌کند.

ستاره اول خط میانی آرسنال در همین رابطه به وبسایت فدراسیون فوتبال آلمان گفت: «متشکرم. واضح است که از دریافت این جایزه خوشحال هستم. سال ۲۰۱۶ برای من سال خوبی بود. در تیم ملی بهترین خاطره من بازی با ایتالیا در یورو ۲۰۱۶ و گولی است که در آن بازی به ثمر رساندم. افسوس که در نیمه نهایی مغلوب فرانسه شده و به هدف‌مان نرسیدیم؛ ولی در سال جدید مهم‌ترین هدف ما رسیدن به جام جهانی ۲۰۱۸ خواهد بود. در آرسنال نیز شرایطم خوب است و زندگی راحتی در لندن دارم.»

کاوانی: می‌خواهم با PSG تمدید کنم

ادینسون کاوانی، مهاجم پاری سن ژرمن، تاکید کرد که قصد دارد قراردادش را با این باشگاه تمدید کند.

این مهاجم ۲۹ ساله در رقابت‌های این فصل نمایش‌های بسیار خوبی در ترکیب پی اس جی داشته و در ۱۸ دیدار لیگ فرانسه، ۱۸ گول به ثمر رسانده و در ۶ دیدار چمپیونزلیگ نیز ۶ بار دروازه حریفان را باز کرده است.

او تاکید کرد که از بودن در پاریس راضی است و می‌خواهد برای مدت طولانی‌تری در این شهر بماند. «آمار من خوب است. اما این چیزی نیست که بیش از همه ذهن من را به خود مشغول کرده است. چیزی که برایم مهم است، این است که پی اس جی می‌تواند به پیروزی برسد و قهرمان شود. می‌خواهم در پاریس بمانم. من اینجا خیلی خوب کار می‌کنم و این شهر را هم دوست دارم؛ بنابراین فکر می‌کنم همه شرایط برای تمدید قرارداد آماده است. من با رئیس باشگاه دیدار داشتم و امیدوارم این اتفاق رخ بدهد.»

گواردیولا:

توره در CL برای سیتی بازی می‌کند

قصد دارد از او در لیگ قهرمانان هم استفاده کند.

او در گفتگو با خبرنگاران، در پاسخ به این سوال که آیا توره در فهرست سیتی برای چمپیونزلیگ قرار می‌گیرد، گفت: «مطمئناً بله. او شایستگی‌اش را دارد. در بخش فصل اول، او نمی‌توانست بازی کند؛ به دلیل شرایط جسمانی. در بخش دوم به دلیلی که می‌دانید (درگیری لفظی با سلوک) اما او اکنون شایسته بازی در لیگ قهرمانان است.»

گواردیولا در مورد تمدید قرارداد توره که در تابستان به پایان می‌رسد هم گفت: «قصد داریم در پایان فصل در این مورد صحبت کنیم.»

کونته: در مورد دیگو کاستا دروغ نگفتم

از آن مقطع او دیگر با ما تمرین نکرد و من نمی‌دانم زمان بازگشت او به چه مقطعی موکول خواهد شد. اما بعید است در دیدار برابر هال سیتی بتوانیم از او استفاده کنیم.»

پیروزی برابر لسترسیتی: «بازی خوبی به نمایش گذاشتیم زیرا بازی کردن در مقابل مدافع عنوان قهرمانی ساده نیست. بعد از شکست برابر تاتنهام واکنش خوبی نشان دادیم و از این موضوع بسیار خوشحالم. به بازیکنانم گفتم به شرایط جدول توجه نکنید زیرا معلوم نیست در جریان بازی چه اتفاقاتی رخ می‌دهد. بازیکنانم همکاری بسیار خوبی در بازی داشتند و من تلاش آن‌ها را می‌ستایم.»

ونگر: ناراحتی الکسیس سانچس طبیعی است

زیادی روی نیمکت داریم و بین مهاجمان آرسنال رقابت وجود دارد. فرصت خوبی برای میدان دادن به دیگر بازیکنان بود و من فکر نمی‌کنم که تصمیم اشتباهی در رابطه با میدان دادن به ولبک گرفته باشم. طبیعتاً هر بازیکنی که تعویض می‌شود کمی احساس ناراحتی می‌کند و مشکلی در این رابطه وجود ندارد. شاید هم این موضوع به خاطر تفاوت فرهنگی بازیکنانی است که از آمریکای جنوبی به اروپا مهاجرت می‌کنند.»

رانیری:

گول‌های مشابهی دریافت کردیم

کلودیو رانیری، سرمربی ایتالیایی لسترسیتی در مورد شکست سنگین تیمش در برابر چلسی صحبت کرد. لسترسیتی شنبه شب در خانه خود با ۳ گول در برابر چلسی شکست خورد تا شرایطی بحرانی بر این تیم حاکم شود. رانیری گفت: «علی‌رغم این‌که نمایش خوبی در برابر چلسی داشتیم شکست خوردیم و این طبیعت فوتبال است. تغییراتی که من اعمال کردم موثر بودند اما اگر دقت کنید، ما هر دو گول ابتدایی را به یک شکل دریافت

پس گواردیولا، سرمربی منچسترسیتی، تاکید کرد که یحیی توره مطمئناً برای مرحله حذفی چمپیونزلیگ، در فهرست این تیم قرار خواهد گرفت.

توره در فهرست سیتی برای مرحله گروهی لیگ قهرمانان حضور نداشت و این مسئله به یک جدال لفظی سخت بین گواردیولا و دیمیتری سلوک، مدیر برنامه‌های توره، منجر شد و این باعث شد تا مربی اسپانیایی، توره را از تیمش کنار بگذارد و بازگشت او را به عذرخواهی سلوک مشروط کند.

توره در بازگشت به میداين نقش مهمی در ترکیب سیتی پیدا کرد و با توجه به مصدومیت ایلکای گوندوگان تا پایان فصل، گواردیولا

آنتونیو کونته، سرمربی ایتالیایی چلسی در مورد شرایط دیگو کاستا و شایعاتی که در مورد جدایی این مهاجم گول‌زن شنیده شده صحبت کرد.

چلسی شنبه شب موفق شد در کینگ پاور با ۳ گول از سد مدافع عنوان قهرمانی فصل قبل گذر کرده و صدرنشینی خود را استحکام بخشد.

شرایط دیگو کاستا: «قبل از بازی در مورد این موضوع صحبت کردم و حقیقت را گفتم زیرا هرگز علاقه‌یی به دروغ گفتن ندارم. تکرار می‌کنم که من قبل از این بازی نیز حقیقت را درباره کاستا گفتم. کاستا در تمرین روز سه شنبه از ناحیه کمر احساس درد کرد و تمرین را ترک کرد.

آرسن ونگر، سرمربی فرانسوی آرسنال تاکید کرد که رفتار توام با ناراحتی سانچس بعد از تعویض طبیعی است.

الکسیس سانچس دیروز موفق شد یکی از ۴ گول آرسنال در مقابل سوانسی را به ثمر برساند اما در دقیقه ۷۹ جای خود را به دنی ولبک، مهاجم انگلیسی توپچی‌ها داد.

ونگر گفت: «الکسیس سانچس مصدوم نشده اما او علاقمند بود که در زمین باقی بماند. ولی من نیز علاقه‌یی به ریسک کردن در مورد او نداشتم. ما بازیکنان

و فلسطینیان دعوت کرده‌اند که به نتایج آن و بیانیه‌ی انتهایی آن توجه کنند، اما در آن شرکت نکنند.

کنفرانس جهانی صلح در خاورمیانه در حالی برگزار می‌شود که طی ماه‌های گذشته تنش میان دو طرف این مخاصمه دوباره بالا گرفته است. این تنش‌ها چند هفته پیش به اوج خود رسید، هنگامی که شورای امنیت سازمان ملل متحد با رای ممتنع امریکا قطعنامه‌ی در محکومیت شهرک‌سازی‌ها در کرانه‌ی باختری و شرق بیت‌المقدس به تصویب رساند. قطعنامه‌ی که خشم بنیامین نتانیاها را برانگیخت و به احضار سفرای همه کشورهای عضو شورای امنیت از جمله امریکا انجامید.

آقای نتانیاها همچنین دولت باراک اوباما را متهم به مهندسی و حمایت از این قطعنامه کرد. ادعایی که کاخ سفید آن را رد کرد.

آن‌طور که گزارش شده، در قطعنامه‌ی نهایی این اجلاس هم از فلسطینیان و اسرائیل خواسته خواهد شد که التزام خود به طرح تشکیل دو کشور مستقل را نشان دهند.

کنفرانس جهانی صلح خاور میانه با حضور نمایندگان ۷۰ کشور در پاریس آغاز شد



اطلاعات روز: درحالی که تردیدهایی در مورد سیاست‌های دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب امریکا در قبال خاورمیانه وجود دارد، اجلاس پاریس با حضور نمایندگان حدود ۷۰ کشور جهان با هدف احیای روند صلح بین اسرائیل و فلسطینیان گشایش یافت.

این اجلاس در پاریس، پایتخت فرانسه به تاریخ ۱۵ جنوری سال جاری میلادی با سخنان ژان مارک آرو، وزیر خارجه‌ی فرانسه گشایش یافت و او در سخنانی احیای تعهدات بین‌المللی به راه‌حل دو دولت مستقل، ترغیب اسرائیل و فلسطینیان به مشارکت در گفت‌وگوهای مستقیم و ارایه‌ی طرحی عملی برای آینده را سه هدف این کنفرانس عنوان کرد.

به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، تشکیلات خودگردان فلسطینی از این نشست استقبال کرده اما دولت اسرائیل آن را مورد انتقاد قرار داده است.

گفت‌گوهای صلح میان اسرائیل و فلسطینیان از سه سال پیش (۲۰۱۴) متوقف شده است و اکنون برگزارکنندگان این اجلاس از اسرائیل

داریانا افغان هوایی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

تغییر در سیستم اخذ تکت آریانا

- 1 مسافری محترم آریانا میتوانند هر قدر که تکت های خود را از قبل خریداری نمایند، قیمت نازل تر را بدست آورند.
- 2 سهولت انتساب سیت برای مسافرین محترم در هنگام خرید تکت ها بوجود آمده، که مسافرین محترم میتوانند هنگام خرید تکت ها، سیت های خویش را نیز انتخاب نموده و قید نمایند.
- 3 شرکت های سیاحتی میتوانند برای مسافرین گروپی خود قیمت نازل تر را نسبت به قیمت اصلی در سیستم بدست بیاورند.

دولسی ترون ملي پروگرام په پلي کیدو کې د خلکو ونډه

پراختیایی شوراگانو په چوکاټ کې، البته د کلسټرونو په جوړولو کې، مهمه او اساسي ونډه ترسره کړې. څرنگه چې پوهیږو د دولسي ترون ملي پروگرام یو بین الوزارتي پروگرام دی او ترڅنگ یې د خلکو او دولت ترمنځ یوه دوه اړخیزه ژمنه ده چې دا پخپله په پراخه توګه په پروگرام کې د خلکو د ښکاره ونډې د ارزښت څرګندوی ده اوملي اووګړنیزه ځانګړتیا وربخښي.

په یقین سره ویلی شو چې زموږ خلک د پراختیایی شوراگانو د یوې لسیزې نه د زیاتو کړنو او تجربو نه دا زده کړې چې کولی شي د دولسي ترون ملي پروگرام هم د بریالیتوب پورې تړه ورسوي. خلکو په ملي پیوستون پروگرام کې زده کړل چې څرنگه خپل ظرفیتونه لوړ کړي، څه ډول وروړولې، یووالی او پیوستون په عمل کې پلي کړي، څه ډول شفافیت او حساب ورکونه عملي کړي، د پروژو د کار څرنگوالي نه څه ډول څارنه وکړي، د پروژو د ساتنې او همدا شان په رښتیني ونډې اخیستنې سره د هغو په تطبیق کې څه ډول سره عمل وکړي. هغوی پوهیږي چې پروژې د دوی خپل ملکیت دی، ځکه چې د هغوی په زیار اوخولي تویولو سره سرته رسیدلی او باید دهغه د تطبیق، څارنې، شفافیت، ساتنې او دوام په برخه کې هم تر زیاته حده هڅه وکړي.

د دولسي ترون په ملي پروگرام کې د خلکو یو له مهمو کارونو نه د دولت (داړوندو وزارتونو) له اجراتو نه څارنه او د هغو پیسوپه اړه حساب ورکونه او مسؤولیت منل دي چې په پروژو کې لګول کیږي. یعنې اوس خلک د اساسي ونډې په اخیستو او زیات مسؤولیت اوواک په لرلو سره د دولسي ترون په ملي پروگرام کې برخه اخلي او ان شاءالله چې د خپل عمل په پایله کې به روښانه لاسته راوړنې ولري. له بلې خوا د اړوندو وزارتونو له اجراتو نه د کليو د پراختیایی شوراگانو یعنې خلکو له خوا، څارنه ترسره کیږي. څرنگه چې د هیواد ولسمشر د کليو د پراختیایی شوراگانو استازو ته داسې وویل:

« له هرې افغانی نه حساب واخلي، خو له هرې افغانی نه له تاسو نه حساب اخیستل کیږي، ددې دلیل څه دی؟ هره ورځ د فساد تور لګول کیږي، خو که د ملي یووالي حکومت هڅې نه وای، چا به نړۍ ته قناعت ورکړې وای چې مونږ په رښتیا هم د فساد په مقابل کې د مبارزې پلان او اراده لرو؟ سوچ مو کاوه چې نړۍ به په یو میلیارد دلري پروگرام باندې له مونږ سره موافقې ته ورسېږي؟ له همدې کبله مونږ په یوه آزماینښت کې یو چې شفافیت په سرتاسري توګه تأمین شي.»



بنسټونه (د کليو پراختیایی شوراگانې) یې د یوې لویې لاسته راوړنې په توګه په ځای پرېښي دي. د کليو پراختیایی شوراگانې چې په حقیقت کې د کليوالو د ارادې ممثلي دي په بیارغونه، د کلي په رهبري، د ټولنیزو ستونزو په حلولو، د کلي په اقتصادي وده او پراختیا او نورو مسایلو کې د خپلو خلکو دوندې استازیتوب کوي. یعنې په هر هغه کار کې چې د کليو پراختیایی شوراگانې شاملې وي په ډاډ سره ویلی شو چې په حقیقت کې خلک په هغه کار کې شامل دي او د شورا پرېکړې، د خلکو پرېکړې دي.

ددې لپاره چې یو شان پراختیا، د بیوزلۍ کموالی، د کليو او ښارونو بیارغونې، د ژوند ښه والي، د ټولنې اقتصادي ودې او په هیواد کې داسې ځینو نورومهمو مسایلو دوام موندلې وي او په عمل کې تطبیق شي د ملي پیوستون پروگرام په پای ته رسیدو سره یو بل لوی او جامع پروگرام د « دولسي ترون ملي پروگرام » په نامه د افغانستان داسلامي جمهوري دولت له خوا اعلام شو. د دولسي ترون ملي پروگرام به هم د ملي پیوستون پروگرام په څیر روښانه او جوړونکې لاسته راوړنې ولري چې د هیوادوالو ژوند به د ودې اوښه والي د بیلابیلو برخو په لور، بوخي. یقیناً چې دغه لاسته راوړنې به ډیرې ښکاره، لویې او اغیزمنې وي ځکه په نوموړي پروگرام کې د هیواد د کليو او بانډو په پراختیا سربیره د هیواد د ښارونو ټولنیزه وده او پراختیا هم شامله ده او په خپل ذات کې، یو افغانستان شموله پروگرام دی.

پدې اړه د یادونې وړمهم ټکي د دولسي ترون ملي پروگرام په تطبیق کې د خلکو ونډه ده. خلک به پدې پروگرام کې هم د ښاري اوکليوالي



زمونږ باهمته خلکو تل په سختو شرایطو کې د هیواد د آبادۍ له پاره یو بل ته لاس ورکړې او ترکومه ځایه چې یې توان درلود پدې لاره کې یې هڅه اوهاند کړې دی. البته ددې رښتینو هڅو یوه بیلګه مو کليود بیارغونې او پراختیا وزارت د ملي پیوستون پروگرام د ټولګټو پروژو په تطبیق کې ولیده. زموږ کليوالو د یوه منسجم او معیاري میکانیزم په درلودو سره کليو خپلې پراختیایی شوراگانې د آزادو دموکراتیکو ټاکنو له مخې جوړې کړې او د هغوی غړي یې د واک، رښتینولۍ، وطنپالنې، او نورو خصلتونو په نظر کې نیولو سره وټاکل. د ملي پیوستون پروگرام د کليو پراختیایی شوراگانې د یوې لسیزې نه د زیاتې مودې کار او فعالیت په ترڅ کې وتوانیدې د یوه تصمیم نیونکي بنسټ په توګه را ښکاره شي، د ښځینه او نارینه د ګډ ترکیب په لرلو سره د کليوالو په منځ کې ومنل شي او د هغوی دغونښتو استازیتوب وکړي. دغو شوراگانو د هغو وړتیاوو او ارزښتناکو ظرفیتونو په لرلو سره چې پدې موده کې یې لاسته راوړل په کلي کې یې د یو ډول رهبري ونډه ترسره کړې چې د یوې ښې سیمه ایزې واکمنۍ د بیلګې په توګه ترینه کولی شو یادونه وکړو. د کليو د بیارغونې او پراختیا وزارت د ملي پیوستون پروگرام د کليو پراختیایی شوراگانې وتوانیدې د ټول هیواد په کليو او بانډو کې د زرګونو ټولګټو پروژو د پلي کیدو له پاره دغه هويت لاسته راوړي. البته د پروژو د تطبیق ترڅنگ یې په اړوندو کلیوالو بانډو کې د شخړو د حلولو په برخه کې هم روښانه کارنامې لرلې او په دې سر بیره د پروژو په تمویل اوعملې کار کې یې لس سلنه ونډه هم اخیسته چې د پروژو د تطبیق په برخه کې د هغوی مښته ونډه ښیي. اوس چې د ملي پیوستون پروگرام پای ته رسیدلی، دغه وګړنیزو جوړونکي